



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامهها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامهها - بخش نامهها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: اداره ۵۴۴۸ - اطاق رئیس ۹۴۴۱

۳ شنبه ۲۰ مرداد ماه ۱۳۲۶

مدیر سید محمد هاشمی

سال سوم - شماره ۷۲۲

صفحه ۱۸۶۵

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۸۲

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح بقیه مذاکرات پنجمین جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۱۲
- ۲ - آگهی های رسمی ۱۳

## مذاکرات مجلس

جلسه ۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه سیزدهم مرداد ماه یکپهزار و سیصد و بیست و شش

فهرست مطالب:

- ۱ - بقیه مذاکرات انتخابات تهران و تصویب پنج فقره اعتبارنامه
- ۲ - بیانات آقای دکتر شفق راجع ببادآوری

ادواح شهدای آزادی و يك دقیقه سکوت برای آن  
۳ - ختم جلسه بعنوان تنفس

مجلس ساعت نه و پنجاه دقیقه صبح ریاست آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید .  
رئیس - جلسه قبل هم چون بعنوان تنفس تعطیل شده امروز صورت جلسه نیست آقای دکتر متین دفتری بقیه بیانات خودتان را بفرمائید (اشتیانی زاده - بنده يك پیشنهادی کرده بودم .)  
دکتر متین دفتری - در جلسه قبل بنده در مقدمه نطق خودم رؤس مسائل مسئله شکایتی که از انجمن نظار تهران داشتم عرض کردم و نصب العین حضور آقایان کردم که انجمن نظار اولاً از بیطرفی خارج شده بود ، مامورین شهرداری هم باین رویه کمک میکردند، در اخذ آراء و در قرائت آراء هم کاملاً معلوم شد که انجمن از بیطرفی خارج شده است و حتی مدارکی خدمت آقایان ابراز کردم از قبیل عکس و کلاتی که حکایت میکرد از اینکه به ناظرین و جوان های تحصیل کرده تعرضی کردند، بدانشگاه تعرض کردند به باشگاه احزاب تعرض کردند و احزابی که باهم

آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید .  
ائتلاف داشتند ، احزاب آزادیخواه که برای آزادی انتخابات مبارزه میکردند اینها مورد تعرض واقع شدند ، در ضمن اسامی که ذکر شد ، از بین جمعیت های مبارز اسم یکی از جمعیتها را بنده متاسفانه فراموش کردم که مورد گله واقع شده بود و آن جمعیت فرزندان ایران است که آنها هم جزء جمعیت مولفه بودند و با کمال رشادت مبارزه میکردند و هم چنین در جواب گزارش آقای مغیر محترم مدلل کردم که اولاً انجمنهای فرعی اکثرأ از اشخاصی تشکیل شده بود که ایداً صلاحیت نداشتند ، سابقه نداشتند در انتخابات مورد اعتماد در عمل خودشان نبوده اند، دیگر اینکه در حین قرائت آراء يك مقداری از از اوراق را عوض کردند ، يك یاكت یراز تعرفه اشخاصی که موفق شده بودند بايك شناسنامه در چندین جا تعرفه بگیرند، برای اینکه انجمنهای فرعی

شناسنامه هارا عمداً مهر نرده بودند و اینها موفق شده بودند که بايك شناسنامه چندین تعرفه بگیرند، نشان دادم و همینطور استناد کردم بدفتر بشگاه راه آهن که در آن ایام انتخابات در آمد راه آهن ایران از آن خطوطی که منتهی به تهران میشود نکت فاحشی کرده بود برای اینکه حملجات کارخانه های عرض راه را مجاناً حمل میکردند و از شناسنامه های شان ، از وجود شان استفاده میکردند هم چنین متذکر شدم که انجمن در گزارشی که داده است و مورد رسیدگی شعبه ۴ واقع شده اقرار کرده است که در بعضی از انجمنهای فرعی اوراق رأی را قبل از ریختن در صندوق میدیدند و کنترل میکردند ، بالاخره این نکته را متذکر شدم که معترضینی در هفته اعتراض از انجمن در خواست کردند که جرائمی ارتکاب شده است در حین انتخابات و اینها جرائم مشهوده است و بایستی تأمین بشود و تقاضا کردند که بوسیله مأمورین قضائی این آثار و علائم جرم را برای اینکه بعد محو نشود تأمین بکنند و انجمن هیچ توجهی باین عرایض معترضین نکرد . این خلاصه اعتراضاتی بود که در جلسه قبل گفته شد و امروز بنده برای تذکر آقایان بعلاوه فهرست در این جا یادآوری کردم . در این فاصله و حتی در حین جلسه از طرف بعضی آقایان ایراد شد که چرا بنده در ضمن بیانات خودم بحزب دموکرات ایران اعتراضاتی کرده ام یا حمله ای کرده ام در همان وقت اگر خاطر آقایان باشد گفتم بنده يك شخص منفی باقی نیستم و اساساً وجود يك حزبی و خصوصاً حزب بزرگ و احزاب آزادیخواه را در این کشور لازم میدانم ( صحیح است ) منتها

• این بقیه مذاکرات مشروح پنجمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

بنده يك ايراداتي گرفته ام بر حزب دمكرات ايران و آنهم تا حدی كه مربوط بود بچريان انتخابات تهران البته مجبور بودم كه درين قسمت وارد شوم براي اين كه ميخواستم ثابت كنم كه در انتخابات تهران بنام حزب يك عمليت بيرويهاي شده آزادي را از ساير جمعيت هاي آزاديخواه سلب كردند. بنده از ابتدای نظمم اگر خاطر آقایان باشد عرض كردم كه در واقع طرف شكايه بنده انجمن نظار تهران است ولي چون در عمل بين انجمن نظار سازمانهاي حزب دمكرات ايران و وزارت كار و تبليغات يك همكاري شده بود و در واقع اسمش از همكاري بالاتر يكي شده بودند اين دستگاهها و حتى اشخاص معيني در آن واحد در هر سه دستگاه شركت داشتند و شركت مؤثري هم داشتند اين بود كه انجمن ناچار از بيطرفي خارج شد و مجري اوامر اين دستگاه بود. وزارت تبليغات هم بطوري كه عرض كردم عده اي را از بوجه خود براي خرابكاري در انتخابات استخدام کرده بود و تجهيزات لازم را در اختيار آنها گذاشته بود. نتيجه اين مقدمات اين بود كه بين اين سه دستگاه را بنده نتوانستم از هم تفكيك كنم و از اعتراض حزب دمكرات صرف نظر كنم. براي اين كه اين سه دستگاه كه تبديل بيك دستگاه واحدی شده بود موفق شد انتخابات را بفتح اشخاص معين در شهر تهران تمام بكنند. وقتي كه صحبت از آن عده اشخاصي شد كه وزارت كار با اسم دانش آموز براي فرا گرفتن تعليمات مربوطه تحت نظر بازرسان بجومه هافرساده بود اين را بنده نيمدام اشتباهي کرده ام يا خودم خاطرم نيست كه گفته باشم اين آقایان هيچ سواد ندارند. بنده يادم نمی آيد ولي منظورم اين بود كه اين اشخاص واجد شرايط استخدامي نبودند كه بتوانند روزي ۶ تومان بگيرند. اين را بنده گفته ام. قانون استخدام يك شرايطي دارد و اينها كه از طرف وزارت خانه استخدام شده بودند آنچه كه بنده تحقيق كردم و اطلاع دارم كساني نبودند كه بتوانند مطابق مقررات اداري روزي شش تومان بگيرند. اين را گفتم. حالا سواد داشتند يا نداشتند نمی دانم. اين جا بنده ميخواستم وارد در بعضي مسائل بشوم اما چون بعضي از آقایان در جلسه قبل اعتراض كردند بنده ناچار شدم جوابش را عرض كنم. اين جا آقای ناصري فرمودند اين اشخاص تجهيز شده بودند براي مبارزه بسا حزب توده بنده نيمدانم اين حرف تا چه اندازه صحيح است اما ناچارم بعضی آقایان برسانم كه اثبات شيشي نفی ماعدي نمی كند در تهران جمعيت هائي وجود داشته و دارند كه معروفند آزاديخواهي، معروفند بوطن پرستي و هيچ كس در بدامشان نمیتواند بنديشده خصوصاً شخصيت اين جمعيت هارا از حيث ميزان اين جمعيتها ميتوان تشخيص داد. از آقایان ميرسم آيا آقای سيد محمد صادق طباطبائي توده اي بوده يا آقای حاج سيد ابوالقاسم كاشاني آقای امام جمعه و ديگران و آقای جمال امامي كه خودشان هم بعد در آخر كار كنار رفته بودند و دارو طب انتخابات هم نبودند اينها توده اي بودند كه بگويم اين تشكيلات براي اين بود كه مبارزه با توده اي ها بكنند اينها هم جمعيتهاي بودند كه ائتلاف داشتند و مبارزه ميكردند براي آزادي انتخابات

تمام جمعيت هائي بودند كه در وطن پرستيان، در ايمان بقانون اساسي، در ايمان بسلطنت مشروطه ايران و باسلام هيچكس نمیتواند ترديد بكنند اما اينكه گفته شده كه بنده به شان عرض كردم اگر شما ميخواستيد اين تجهيزات را بكنيد چرا از پول دولت بازي بودجه تبليغات كرديد بنده آنجا اسم دولت را نبردم. اسم وزارت كار و تبليغات را بردم. بنده نيمدانم دولت در اين كار تا چه اندازه دخالت داشته، بنده آنچه كه واقع شده عرض كردم و گفتم كه اشخاصي را استخدام ميكردند بقول آقای ناصري براي مبارزه با حزب توده ولي علامه وردبگير بود، بنده مقدم همانطور كه عرض كردم هر حزبي اگر بخواهد در كشور پايدار بماند بايد متكي باشد بفعاليت افراد خودش و بدرآمدهاي مشروعي كه از طرف افرادش با فعاليت افرادش جمع ميشود. حزب ميتواند از افرادش سهميه بگيرد، حزب ميتواند از افرادش هدايا بگيرد و برسم به اموالي تحصيل بكنند از اعضا رسمي خودش، حزب ميتواند نمايش بدهد، حزب ميتواند براي توسعه عمليايش درآمدهاي مشروع تحصيل كند. اما حزب نمیتواند از مال به دولت از صندوق دولت استفاده بكنند. اين حرف بنده است مثلاً بطوريك معروف است و حتى در جرايد متمسك شد بعنوان مصاحبه با رهبر كل حزب گفتند كه در حزب دوهزار تومان - بيخشيد - دوميون تومان از راه حق العمل يا حق الزحمه جوازا در يك صندوق جمع شده است بعقيده بنده اين پول بجز بتملق نمیتواند بگيرد! (صحيح است) اين پول در نتيجه فعاليت حزب تحصيل نشده! اين پول مال ملت ايران است! (صحيح است) خلاصه اين آقایان بيك استفاده شدند اينها براي مبارزه آنطوريكه آقای ناصري گفته بود. اينها مطابق اطلاعات صحيحه كه ما داريم در ايام اخذ آراء در صندوقها هم روزها آخر وقت صورت تعداد كل آراء بيك در صندوقهاي بالنسبه آزاد ريخته ميشد از قبيل مجلات شمالي كه تحت كنترل آنها نبود ميگرفتند و همه را فرض ميكردند كه مال مخالفين است يك فرض اماره اي پيش خودشان ميكردند كه اين آراء مال مخالفين است و در همان شب اين آقایان با وسايلي كه داشتند با يك تناسب معين از آن صندوقهاي كذايي كه مدعي هستند توانسته اند در ظرف ۷ روز در هر ۵ دقيقه فلاقت راي بگيرند اينقدر راي ميريفتند و ميخواستند ميزان را حفظ بكنند و باين ترتيب موفق شدند كه آراء تهران را بر خلاف گذشته، بر خلاف سوابق عملي به ۸ هزار برسانند. ملاحظه بفرمائيد در دوره چهاردهم اين همه فعاليت بود. احزاب مختلف بود پيش از ۴۰ هزار راي نتوانستند جمع بكنند ايندفعه ۸۰ هزار راي در صندوقهاي تهران ريخته شد. سرش همين بود كه بنده عرض كردم. همينطور اين آقایان و حتى بعضي از اشخاص يادويي كه جزء اين چند نفر بودند موفق شدند كه چند صندوق از صندوقهاي لواسات را عوض بكنند، بعضي از صندوقهاي ديگر را عوض بكنند بنده اسامي اشخاصي كه مرتكب اين عمل شده اند همه را ميدانم ولي چون عادت بيرده دري ندارم و خصوصاً اينكه آنها اين جا حاضر نيستند كه از خودشان دفاع بكنند از بردن نام آنها خودداري ميكنم بنا بر اين اگر بنده شكايه ميكنم

كه انجمن نظار تهران در مقابل اين جريانات هيچ عكس العملی او خود نشان نداد آقای سيد هاشم و كبل نبايد گله بكنند از بنده براي اينكه همين آقای و كبل بودند كه در انجمن دوره چهاردهم شركت داشتند و آن انجمن موفق شد از مداخلات بي رويه شهرداري كه عشري از اعشار مداخلات اين شهرداري نبود جلوگیری كرد آن وقت آقای و كبل ما شما را ستايش كرديم. بنا بر اين نبايد گله كنيد. ما روي اصول صحبت ميكنم. بنده از آن انجمن دوره چهاردهم شخصاً دلخوشي ندارم. حق بنده در آن انجمن تصحيح شد. بنده در آن موقع در باز داشت گاه متفكرين در اراك زنداني بودم. آراء بنده را در آن زمان تاراج كردند و حتى اجازه ندادند كه اسم بنده را در جرايد متمسك كنند و بنده از آن شكايه دارم. ولي حق را بايد بگويم. آن انجمن با كمال شجاعت وظيفه خودش را در آن قسمت هائيكه ميتوانست انجام بدهد انجام داد. بسا هم تكرر ميكنم كه بنده راجع بجزب دمكرات ايران قصد حمله نداشته و ندارم و در آن روز هم آنچه كه گفتم راجع بانخابات تهران بود و از آن حد تجاوز نكردم و ميخواهم تجاوز كنم، ولي از اظهار يك تأسف در اينجا نمیتوانم خودداري كنم كه يك حزبي كه ميخواهد ايران مداري بكنند بايد اين قدر وسعت نظر داشته باشد و براي آزادي افكار اين اندازه احترام قائل باشد! واركان رسميش بنده استاني اداره نشود كه ستونهاي روزنامه حزب را وقف فحاشي و هتاكی و حتى ترور كردن نمايندگان كنند! و اين عمل در زماني صورت بگيرد كه عده اي از روزنامه هاي تهران و مديران آنها را بجرم اينكه چرا تندي در انتقاد ميكنند در هين روزها، درهمين روزهايك براي مبارزه آنطوريكه آقای ناصري گفته بود. اينها مطابق اطلاعات صحيحه كه ما داريم در ايام اخذ آراء در صندوقها هم روزها آخر وقت صورت تعداد كل آراء بيك در صندوقهاي بالنسبه آزاد ريخته ميشد از قبيل مجلات شمالي كه تحت كنترل آنها نبود ميگرفتند و همه را فرض ميكردند كه مال مخالفين است يك فرض اماره اي پيش خودشان ميكردند كه اين آراء مال مخالفين است و در همان شب اين آقایان با وسايلي كه داشتند با يك تناسب معين از آن صندوقهاي كذايي كه مدعي هستند توانسته اند در ظرف ۷ روز در هر ۵ دقيقه فلاقت راي بگيرند اينقدر راي ميريفتند و ميخواستند ميزان را حفظ بكنند و باين ترتيب موفق شدند كه آراء تهران را بر خلاف گذشته، بر خلاف سوابق عملي به ۸ هزار برسانند. ملاحظه بفرمائيد در دوره چهاردهم اين همه فعاليت بود. احزاب مختلف بود پيش از ۴۰ هزار راي نتوانستند جمع بكنند ايندفعه ۸۰ هزار راي در صندوقهاي تهران ريخته شد. سرش همين بود كه بنده عرض كردم. همينطور اين آقایان و حتى بعضي از اشخاص يادويي كه جزء اين چند نفر بودند موفق شدند كه چند صندوق از صندوقهاي لواسات را عوض بكنند، بعضي از صندوقهاي ديگر را عوض بكنند بنده اسامي اشخاصي كه مرتكب اين عمل شده اند همه را ميدانم ولي چون عادت بيرده دري ندارم و خصوصاً اينكه آنها اين جا حاضر نيستند كه از خودشان دفاع بكنند از بردن نام آنها خودداري ميكنم بنا بر اين اگر بنده شكايه ميكنم

هم مثل طهران براي آزادي انتخابات مبارزه كرد بنده ميل دارم كه نمايندگان محترم نسبت بيكديگر احترام مقابل داشته باشند و با فكار بيكديگر احترام بگذارند والا مجلس كاري نمیتواند از پيش ببرد ما مجالس كشورهاي ديگر را ديده ايم در كنفرانس هاي بزرگ بين المللي شركت کرده ايم و ديده ايم اشخاص بي نظريات كه لا متناهد دارند حرف بيكديگر را گوش ميدهند و بيكديگر احترام ميگذارند. از لجن مال كردن اشخاص جز ضرر در اوضاع و احوال فعلي كشور چه نفعي عايد ما ميشود! اگر اين رويه در مجلس شوراي ملي ترك نشود (اگر ميگويم) كندهاي نخواستن منتهي بشود به هم خوردن مجلس كه بعضيها هم در كمين چنين پيش آمده است، لاف اقل طوري خواهد شد كه مجلس متشنج شود و هيچ كاري از پيش نرود ما بايد از اين خطرها احتراز بكنيم. بالاخره ملاحظه فرموديد كه در مقابل تعرضاتي كه در جلسه گذشته نسبت بيبنده شد سكوت كردم اما اگر بعد از نطق بنده جوابهائي داده شود كه از حدود نزاکت و ادب و ايراداتي كه بنده در حدود انتخابات تهران كردم تجاوز بكنند بنده هم ناچار خواهم بود يك عريضه بپوش مجلس برسانم كه اگر خدای نخواستن تشنجي ايجاد شد بنده مشغولش نخواهم بود. حالا از اين جمله متعرضه ميگرديم و بر ميگرديم بمسئله شكايه انتخابات و قبل از ختم كلام ناچارم چند نكته را نصب العين بكنم. آقایان عريضه كه من كردم در درجه اول بنام طبقه تحصيل کرده و كليه فرهنگيان اين شهر است. تهران مركز فرهنگي اين مملكت است. در تهران وجوه اهالي تمام كشور جمعند تهران بحكم افضليت هميشه استحقاق استفاده بيشترى داشته. طهران و شهرهاي بزرگ مخصوصاً تيزيز از حيث آزادي انتخابات عملاً امتياز داشته اند. با اهالي اين شهرها ميشود معامله اي كرد كه با اهالي دهات دور دست ميكنند! اگر غير از اين باشد پس فايده فرهنگ در كشور چيست! اين طرز عمل با اهالي مراکز بزرگ كينه هائي ايجاد ميكند كه عراقي و خيم خواهد داشت. نمايندگان دوره چهاردهم باين مسائل مهم توجه نكردند اين است كه عده از آنها كه از ممر كه دور مانده اند از كرده خود پشيمان هستند احساسات مردم را جريحه دار نبايد كرد و بين مردم و مجلس شكاف نبايد ايجاد نمود. مجلس اگر متكي با فكار عمومي طبقات فاضله نباشد كاري از پيش نمیتواند به برد. بنده بخاطر دارم روزي كه از تحصن در بار خاراج شديد و اعتراضاتمان بي اثر ماند و متحصنين تصميم گرفتند كه در انتخابات دخالت نكنند يك نفر پير مرد، پير مرد آزاديخواه از محترمين اصناف كه دوشاين روز در سرماي زمستان با حال كسالت در خيابان پشت دربار مانده بود و ايستادگي کرده بود گريه ميكرد و ميگفت من پيرم از من ميگردد ولي دلم بحال اين جوانها مسوزد كه درس بدی بآنها داده شد. بانها فهمانند كه سمي و عيل از راه راست در اين كشور فايده ندارد! خدمت كردن ب مردم و كسب وجاهت از اين راه ارزشي ندارد! قوانين ملحمه است و بايد از راه تقليب بصعود رسيد! همين آقای دكتر معظمي حاضر نماينده محترم ميمرودند ايامي كه بدانشگاه هجوم ميآوردند و دانشجويان افسرده و كسل

بودند به من ايراد كردند كه معلوم ميشود تمام اين درسهايي كه در دانشكده حقوق به ما ميبهيد و قوانين را كه تشریح ميكنيد تمام دروغ است! فكر كنيد اگر جوانان كشور اينطور روجه شل مترازل بشود چقدر براي آينده، كشور خطر دارد. آقایان هميشه روزگار بحال كساني كه بر توسن كرامتي نشسته اند مساعد نيست، اگر بنا شود شرط انتخاب شدن تمايل زمانداران وقت باشد اين تمايل را اشخاص با عقيده و شرافت نمیتوانند تحصيل كنند. خزانه دولت را هر قدر تهی بكنند دولت نمیتواند هميشه چند دستگاه جيب بگرد و آنها را در انتخابات بكار بيندازد! جيب هاي دولتي امروز براي يك عده اي كار ميكنند و فردا كه آن عده از چشم افتادند از كار افتاده اند براي عده اي ديگر كار خواهد كرد و آنان بايد انگشت نهدمت بگردن براي روزهاي تا مساعد ملجائي بهتر از قوانين يافت نميشود. قوانين اگر محترم بمانند همه از آن استفاده ميكنند قوانين فرقي بين دوست و دشمن نميگذارد. اگر قوانين را فراموش كنيم اگر عناويني كه مورد شكايه من است سابقه بشود و بقول مرحوم مستوفى الممالك قبح از قباحت برود روزي پشيمان ميشويم كه ديگر سودي نخواهد داشت. ماهه دير يازود ميميريم و با از كار بر كنار ميمويم ولي ايران پايدار است و بايد براي اعقاب ما بماند. حيات ايران بسته با احترام قوانين است. خلاف قانون بودن انتخابات تهران در دوره يازدهم بقدری آشكار و واضح بود كه احتياج بيان و اقامه دليل نداشت و ندارد و اگر در عريض من ترديد داريد حكم بفرمائيد تحت نظر مجلس مراجعه بآراء عمومي شود. مراجعه بآراء عمومي اهالي تهران يعني يك فراتدم بكنيد. اگر صحت انتخابات را اهالي تصويب كردند ضرري نكرديم بلكه نمايندگان قويتر خواهند شد و ميتوانند پانكاه افكار عمومي هميشه انجام وظيفه نمايند. اگر تصديق نكردند، عدم رضاييت اهالي براي ماضر دارد، خطر دارد احتراز خواهيم كرد. در هر صورت اهالي تهران تمام طبقات فاضله اين شهر نگران هستند كه شما آقایان چه تصميمي اتخاذ ميفرمائيد و براي حق مسلم آنان كه بموجب قانون اساسي مقرر شده چه تضميني قائل ميشويد چقدر هزار نفر تحصيل کرده هاي اين شهر كه معني انتخاب كردن را خوب ميفهمند و بقانون علاقه مندهستند از تكرر قانون شكنيها دلگير شده اند چگونه مطمئن باشند كه اين دفعه مشروطيت ايران را از دستبرد حوادث مصون و ايمان ميباريم بنده ديگر عرضي فعلاندارم مگر اينكه جوابي لازم باشد گفته شود.

**رئيس -** آقای مهندس خسرو هدايت بر طبق ماده ۱۰۹ اجازه صحبت خواستند بفرمائيد صحبت كنيد (اميني - مخبر مقدم است) خير ماده ۱۰۹ ميگويد كه خارج از نوبت بايد اجازه داده شود.

**مهندس خسرو هدايت -** بنده در تمام مدتي كه توفيق آمدن بمجلس را خواهم داشت نظرم اين است كه حتى المقدور مزاحم آقایان اشوم چون از هر جهتي ساير آقایان نمايندگان براي ايراد نطق و اعتراض حق تقدم به بنده دارند و بنده نيمخواهم با بيان افكار خود وقتشان را بگيرم ولي چند نكته بود كه بر بنده ضرورت ايجاد كرد كه باستحضار

آقایان برسانم. اصل كلي اخلاق ايجاب ميكند كه انسان نسبت بانچه كه مورد احترام قومي است احترام بگذارد ولو آنكه خودش براي آن احترام قائل نباشد و ما اين را علاوه بر فردا فرود انجام کرده ايم مثلاً ما وقتي بكنيسا ميمويم با اينكه كاتوليك نيستيم كلاهمان را بر ميباريم و در مقابل آنچه كه مورد احترام عده كثيري از اهالي دنياست بي احترامی نميكنيم بنده قطع دارم كه وقتي ما يك جايي برويم كه مردم آنجا بت پرست باشند و بت خانه داشته باشند ما اگر بآن بت خانه برويم قطعاً بآن بتها بي احترامی نخواهيم كرد با علم ما اينكه آن بت فقط از چوب ساخته شده است و با هيچيك از خواص قابل احترام را ندارد. بنده ميخواهم گله كنم از اينكه در مذاكرات جلسه قبل نسبت بجزب دمكرات ايران كه مورد احترام قسمت عدي از افراد اين كشور است (صحيح است) نيمبايستي بي احترامی شده باشد ولو اينكه بد باشد و هم چنين وجود حزب نمیتواند بد باشد اينكه ما بگويم مثلاً فلان مملكت، مملكت بلژيك بد است، ممكن است مملكت بلژيك بد باشد، ممكن است اشخاص بد داشته باشند ولي بطور كلي نمیتواند بد باشد. يك حزب نمیتواند بد باشد و حزب دمكرات ايران چون مورد احترام عده كثيري بعقيده بنده و بعقيده بعضي عده قبلي اشخاص است نبايد مورد اعتراض و حمله واقع شود. آنچه كه مورد استعجاب جناب آقای دكتر متين دفترى شده مكرر فرمودند اين است كه يك افراي رفته اند و يك اشخاص معيني راي داده اند و اظهار كردند اين آراء در يك شرايط معيني داده شده و در يك شرايط معيني خوانده شده حتى نام چاقو و چاقو كشي را هم بردند بنده در اينجا يك نكته را ميخواهم عرض كنم كه اساساً بايد تفكيك كرد و معلوم كرد كه در چه موقع هو كردن و چاقو كشدن بد است، اگر يك نفر آدم كردن كلفت يا بايد در منزل بنده و دست وبال بنده را ببندد و شروع كند بجمع آوري اثاثيه بنده و هم ميكنم، داد ميكنم، فرياد ميكنم من اين هو را در مقابل چپاول ميكنم و قتيكه يك عده اي تصميم بگيرند بر عليه تجزيه طلبي قيام كنند دستگاه اجنبي پرستي را جمع كنند و اسلحه اي نداشتند اگر چاقو است با چاقو اگر چماق است با چماق اگر ندارند با سينه خودشان پس آن اشخاصيكه ميفرمايند چاقو كشي ميكنند، آنها چاقو كشي كردند براي حفظ استقلال كشور ايران. براي مانع شدن از تجزيه ايران و براي تماميت ارضي ايران، اين نوع چاقو كشي را نميشود دانست (خنده نمايندگان)

بنده اين توضيح را كه ميبهم در اينجا از آن جهت نيست كه نگرانم در افراد ما از اين لحاظ سستي ايجاد شود بنده نگرانيم از خشم است گفتند در تهران ۸۰ هزار نفر راي دادند البته براي اينكه در تهران حزب دمكرات ايران بود، افراد داشت اين افراد مصمم بودند، مبارز بودند بصندوقهاي انتخاباتي رفتند و راي دادند و اكثريت را بردند و البته منحصرأ بكانديه هاي خود ان راي دادند اين تعجب ندارد كه باشخاص ديگري راي ندادند و باشخاص معيني راي داده اند البته جناب آقای دكتر متين دفترى بايد بدانند كه در ممالكي كه مارتري ميدانيم وقتي كه انتخابات شروع ميشود و قتيكه يك كسي ميروند بكانديه اي حزب خودش راي بدهد

اصلا نمیدانند بچه کسی رأی میدهد بآن ورقه های فرمز رأی میدهد، حزب سوسیالیست علامت رأیش فرمز است اصلا نمیدانند کی هست بند نماینده اش را می شناسد، پس افراد حزب ما بنمایندگان خودشان که فراد خوبی بودند رأی میدادند آن پیرمردی که در سرما نشسته بود، دست نشسته بود و گفته بود که سبی فایده ندارد بنده عقب نشستن را سعی و عمل نمیدانم در همان ایام اگر بمقب نمی نشستند و مبارزه میکردند عوض ۲۰ هزار رأی میتوانستند ۴۰ هزار رأی بیاورند و در همان چندروزه اولی که ما دوندگی میکردیم آقایان بمقب نشسته بودند مثل آن پیرمردی که گفتند ولی خیلی بهتر بود مبارزه میکردند و نتیجه میکردند. کسی که سعی و عمل ندارد نتیجه نمیکرد بنده هم اگر عقب نشسته بودم نتیجه نمیکردم یک مطلب دیگر عرض میکنم و آقای مغرب فرمایشات خودشان را بفرمایند و آن این است که اسمی از راه آهن برنده و بنده یک توضیحی عرض میکنم که اگر قرار بشود با راه آهن افرادی را، کارگرانی را ببرند که رأی بدهند اینها را باقطار مسافری نغواهند برد که در آمد تأثیر داشته باشد اینها راه سوار قطارهای باری خواهند کرد که آنها همانطور مفت یا این که حتی با بلیط بیایند این عمل ممکن است باعث ازدیاد درآمد بشود ولی ممکن نیست باعث نک درآمد بشود چون قطارهای مسافری همیشه پر هستند. بنده این اطلاع را که میدهم برای این است که در یک دوره دیگری بدست اشخاص دیگری که بنده اسمشان را نمیرم شده است ولی در دوره ۱۵ نشده است ولی این آرائی کدر صندوقهای تهران بنام افراد تهران ریخته شده آراء افراد مصمم حزبی بوده که آمده اند از روی ایمان، از روی مسلک رأی داده اند و انتخابات را برده اند و حالا هم بدون هیچگونه دلسردی منتظر عملیات ما هستند و خواهند بود.

**رئیس** - ماده ۱۰۹ قرائت میشود که آقایان توجه کنند چون آقای وکیل هم بوجوب این ماده اجازه نطق خواسته اند. (شرح زیر قرائت شد.)

ماده ۱۰۹ - اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمتیی یکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او بر خلاف واقع جلوه داده شود و نماینده مذکور برای تیرنه و رفع اشتباه اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد.

**دکتر مجتهدی** - از اول مراعات نظامنامه را نمیکند.

**نتیجه** - مغرب خودش دفاع میکند.

**رئیس** - آقای وکیل بفرمائید.

**سید هاشم وکیل** - بنده از ابتدای مشروطیت یعنی وقیل از آثار مشروطیت که مقدمات مشروطیت فراهم شد مصادف بود با اول بلوغ در حیان بودم. روز اولی که تاجر قند فروش بر اثر چوب خوردن از علاءالدوله در مسجد شاه اجتماع کردند و علماء با آنجا آمدند مرحوم آقا سید جمال منبر بود و یک کله ای در آنجا گفت که شاه اسلام است، البته عادل است مراض خود را عرض میکنم و البته توجیه خواهند کرد و اگر نصرت کردند. مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه اجازه نداد که بگوید ما هم چه

میکنیم و فرمان داد چوبهای چراغ را بکنند و افتادند بجان مردم (احمد دهقان - آقای وکیل چند سال پیش) در زمان عین الدوله. چوبهای چراغی که روی تخت بود کشیدند و افتادند بجان مردم و مردم را زنده و از خانه خدا رانده اند از آنروز آنجا بودم؟ (دهقان - سنتان برای وکالت قانونی نیست) (زنکرتیس اجازه بفرمائید) از بدو تأسیس حزب دمکرات عضو حزب شدم و همینطور در تشکیلات حزب دمکرات بودم در آن موقعی هم که آقای مین دقتی اشاره کردند که اختلافی در حزب دمکرات بین دو دسته پیدا شد بعنوان تشکیلی وضد تشکیلی من جزو تشکیلیها بودم و آن وقت هم مشغول خدمت ملی بودیم جناب آقای دکتر متین دقتی را در هیچیک از اجتماعات نمیدیدم (اقبال در آن موقع کوچک بودند) و نمی بایستی به بینم برای اینکه ایشان را عضو حزب دمکرات نمیدانستم و قطعاً هم نبودند پدرشان مرحوم عین الممالک جزء دموکراتها بودند ولی خودشان نبودند و اظهاراتی هم که میکردند تمامشان تأیید میکردم که ایشان عضو حزب دموکرات نبودند برای اینکه ایشان اظهار کردند مبارزاتی که سابق میشد چنین بود و مبارزات این زمان چنان و میخواستند انتقاد کنند از مبارزات این زمان بدلیل مبارزات آن زمان در صورتیکه مبارزات آن زمان، مبارزات حزبی ابتداء از مبارزات مسلح شروع شد یکمده از مسلحین حزب دموکرات بایک عده از مسلحین حزب اعتدال همدیگر را بتیر زدند کشتند و همینطور مبارزات دیگری هم در جریان بود از جمله متینک اعتدالیها در مسجد شاه آقای بهمانی شاید اطلاع داشته باشند که آقا شیخ مهدی خراسانی منبر رفت و از طرف کمیته مرکزی ابلاغ شد که با این متینک بایستی مبارزه شود ولی افرادی که در مبارزه حاضر میشوند نباید اسلحه داشته باشند ما حاضر شدیم و مبارزه کردیم و چون حزب اعتدال متکی بدوات بود یک عده از ما را گرفتند در صورتیکه ما بر خلاف نظم هیچ کاری نکردیم از جمله آنها یکی بنده بودم و یکی فاضل خراسانی بود که فعلاً جزء مملین است و دیگر از مبارزات انتخاباتی مبارزه مرحوم مدرس و میرزا علی اکبر ساعت ساز بود که آن مرحوم فوت کرده ولی میرزا علی اکبر ساعت ساز حاضر است و روبروی دارالفنون که محل انجمن انتخابات بود بهم رسیدند و همدیگر را کتک زدند و مرحوم مدرس با همان لهجه اصفهانی غلیظ خودش گفت ارواح پدرتان یا طراز اولم یا وکیل شما بروید فکر کار خودتان را بکنید. این مبارزاتی بود که در آن زمان میشد و بعضی مبارزات دیگر هم میشد که ابداً بمؤسسات حزبی مربوط نبود این تردید نیست که وقتی یک عده ای وارد یک جمعیتی شدند ایجاد تعصب میشود درشان و اگر از روی تعصب یک عملیاتی بکنند این را نمیشود گفت که حزب عیبی دارد و بمؤسسات حزب دستور داده است وقتی که یک فردی تعرضی شد یا خیر تشخیص داد یک تعرضی برای منظور او مقید است بدون اینکه از یک مرکزی بپرسد آن اقدام را خواهد کرد. که البته برای تشکیل حزب دموکرات ایران یک مبارزه ای شد برای بالا بردن تابلو حزب دموکرات بکشمایه ای در آنجا بود و مانع بشداز اینکه تابلو حزب دموکرات را بالا ببرند و آنجا مبارزه شد و یک عده زخمی شدند از دموکراتها و

آنها را ابر بربضخانه بردند و بسببها را عمل کردند و یک نفر کلبه اش را لازم شد در آورند، یک نفر پهلوش یازدهم و بقیه کردند آقایان در آنوقت نبودند یعنی ناظر آن فضای نبودند ممکن نیست اطلاع نداشته باشند ولی نمیتوانند بروی خودشان بیاورند این اندازه سخت بود تشکیل یک حزبی که مخالفین نمیکند داشتند تابلو برزند بالای یک مهارتی چه رسد باینکه میدیدند یک اشخاصی آنجا میروند و فعالیت سیاسی هم دارند. بنده عقیده ام اینست که اگر ما بخواهیم ترقی بکنیم باید این اندازه فراموشکاری را کنار بگذاریم و یک قدری مطالب را بجای بماند خودمان بسازیم بنده همانطوریکه عرض شد تا پایان تشکیلات حزب دموکرات عضو بودم و بعد دیگر فعالیت حزبی و سیاسی نداشتم و کنار نشسته بودم زندگی خبیلی بهتر و راحت تر از زمانی بود که در سیاست و حزب دخالت داشتم. بجز حزب دموکرات ایران دعوت شدم گفتم که من آن قوه سابق را ندارم گفتم تشخیص داده ایم که تمام ایرانی ها باید در یک حزب متشکل بشوند و آن حزب دموکرات ایران است و بالاخره بنده را قانع کردند بدون این که بیرسم من در حزب چکاره هستم و یا این که این حزب برای من چه نفعی دارد ورود به آن حزب را قبول کردم و وارد شدم. داو طلب انتخاب شدن هم نبودم روی همین اصل دو مرتبه که مذاکره شدم کردم و بالاخره صلاح اندیشی شد. هستنند اشخاصی اینجا که اطلاع دارند که من دو مرتبه که مذاکره شد رد کردم و بالاخره گفتم صلاح در این است که قبول کنید، قبول کردم آقای دکتر شما چند سال وزیر عدلیه، معاون عدلیه، مدیر کل عدلیه، عضو محکمه استیناف بودید از شما میرسم به من چه ایرادی شده. در زمانی که شما متصدی کار بودید بکار من چه ایرادی شده، هیچ عمل منافی قانون، عمل منافی اخلاق، ترک اولائی هیچ نسبت داده اند؟ اگر یک کسی یک عمری (من الان شصت سال دارم) یک عمری یک رویه ای را اتخاذ کرد و در اموری که اقدام در آن کارها موجب انتفاع است خود داری کرد و حتی حق خودش را هم نگرفت هستند اشخاصی درین مجلس الان که اینها کار داشتند و گرفتار بودند پامن صحبت کردند که قرارداد ببندیم گفتند هر چه شما بنویسید ما امضاء میکنیم بهمان گفتم هر چه بنویسید ما امضاء خواهیم کرد ولی من نمی نویسم حالا برای اینکه معامله با شما مکرر است چون الان شما مضطربید و معامله با مضطرب مکرر است باشد بعد از رفع این وضعیت که برای شما پیش آمده است آنوقت صحبت کنیم ممکن است من در امور شرعی و تکالیف دینم نسبت بخودم یک ظلمهایی کرده باشم ولی در امور اخلاقی و دینی از مستحبات که نسبت بقیر باشد فرو گذار نکردم آنوقت چه احتمال میدیدم یک کسی که زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی اینطور بوده است برای چه ممکن است در سن شصت سالگی منحرف شود آیا طمع و کالت مجلس ممکن است سبب بشود که من منحرف بشوم از رویه ای که ۶۰ سال آن رویه را تعقیب کرده ام؟ بیطرفی من در دوره تصدین جناب عالی است و بیطرفی من درین دوره ممکن است از همان کی نژاد که بگارتش استناد کردید تحقیق بشود برای اینکه اگر اشخاص دیگری را من

استناد بکنم هستند آقایانی که حتی دکترا امینی گاهی از شدت بیطرفی من عصبانی میشد ولی من بشهادت او استناد نمیکند چون او دموکرات است و کاندیدای تهران هم بود ولی از کی نژاد پرسیدم و به پیشینه قدر من خونسردی بخرج میداده وجه اندازه مبالغه در بیطرفی میکردم حتی اسم میرم یکی از رؤسای شب را آقای آقا میرزا ابوالفضل کاتوزیان که یکی از وکلای سابق دادگستری و فعال رئیس دفتر استناد رسمی است. او گفته بود که اسم فلاکتس را درش خط کشیده اند و با همان اسم دیگری را نوشته اند این العاق است و من العاق را نمیخوانم به من آمدند شکایت کردند و من قانع کردم او را و او داشتم هر چند رأی که خوانده بود از اسم من آراء را کم کرد. درین تشکیلات انتخاباتی تهران قریب ۸۰۰ نفر دخالت داشتند تصدیق بدهید اگر کسی بخواهد کار بدی بکند ممکن است ۸۰۰ نفر را در آن کار دخالت بدهد؟ در دوره پیش یعنی دوره چهاردهم چهارده شعبه انتخاب در تهران و حومه بوده ولی دوره پانزدهم ۷۰ شعبه تشکیل دادیم که هفتاد تن تا ۶۳۰ تا عضو داشت هر شعبه یک نفر منشی اضافی داشت هر شعبه دو نفر بازرس داشت و بازرها را از عدلیه صورت خواستیم یک عده بازرس معرفی کردند که از جمله میرزا باقر خان پدر بود که یکی از مجاهدین مشروطیت بود و فعلاً یک شخص معموری است که شاید قریب به ۷۰ سال داشته باشد این اشخاص بازرسی معرفی شدند و هر روز اینها میرفتند اول وقت و آخر وقت و شب میآمدند آنجا گزارش خود را میدادند. این مطالبیکه گفته شد شما خلاف گفتند در جریان انتخابات آمدند شکایت کردند که از طرف حزب ایران فعالیت میشود در انجمن انتخابات و ما گفتیم که در محوطه انجمن نباید که آراء مردم را عوض کنند خواستیم و تحقیق کردیم دیدیم که فعالیت میکنند برای گذراندن کاندیدانشان گفتیم این اشکالی ندارد بروند فعالیت کنند. در اینجا اسمی از آقای جهانشاهی برید آقای جهانشاهی یکی از قضات جزائی عدلیه است که البته در بدو ورودش جناب عالی با عدلیه تماسی نداشتید این شخص اول بعضویت محکمه جنحه وارد شد. قضات جزائی میدانید کنجکاو هستند و با قضات حقوقی از این جهت فرق دارند گرچه مراحل حقوقی را هم بیمود و بترتیب از عضویت محکمه جنحه به ریاست دیوان کشور رفتا رسیده این شخص را هم دعوت کرده بودند در انجمن نظارت یعنی در آن ۲۶ نفر قبول هم نمیکرد تمام آن حاضرین ازش استعفا کردند که قبول کند و بالاخره قبول کرد. عضویت انجمن را آن اشخاصی که دعوت شده بودند در آنجا دموکرات نبودند. بود دموکرات در آنجا جزء آن اشخاص ولی شاید اکثریت با غیر دموکرات بود از ایشان خواهش کردند که شما قبول کنید که جزء ۹ نفر انتخاب شوید و ما هم این شخص را بریاست انجمن انتخاب کردیم. انتخاب کردیم و شروع بکار شد اسمی اشخاص را هم تحقیق میکردیم. خدا گواه است که ابتدا نظری به عضویت حزب دمکرات در انتخاب اعضای شعب نبود. جاوید دوا فروش مدیر دواخانه جاوید که یکی از دواخانه های مهم است این را

از نظر اینکه شخص محترم و معروفی در معزاست آنچه که تحقیق شده بود بنده شخصاً با او شناسائی ندارم فرستادیم آمده بود قبول نمیکرد و میگفت با کار من منافات دارد بالاخره قانعش کردیم در بعضی از شعب با افراد حزب دموکرات مبارزه می شد و نمیکنداشتند رأی بدهند و اینجا ما محافظه کاری میکردیم و اعتراضی نمیکردیم که چرا با آنها تفرقه ندادید و میگفتیم ممکن است که شما بروید ای دیگر برای بنده این بود وضع انتخابات و آنوقت موقعی که در نظر بگیرد در دوره چهاردهم توجه کمتر بود. با انتخابات در این دوره ما اشخاصی داریم که عضو حزب بودند ولی در تمام دوره های انتخاباتی رأی نداده بودند این دفعه با کمال شدت فعالیت می کردند و پول از خودشان خرج میکردند و به نفع حزب دموکرات رأی میدادند که یکی از آن اشخاص ازمن خواهش کرد که ما ببقیده خودمان آنچه تشخیص دادیم عمل کردیم و در مقابل از شما یک خواهش داریم که این مشکلات مردم را در دادگستری تسهیل بکنید. از این قبیل اشخاص عده کثیری هستند که در دوره پانزدهم دخالت داشتند و در دوره چهاردهم دخالت نداشتند. یک چند تا رفیقی. یک مریدی جناب عالی دارید آقای اخوی که تشکیلات ما در انتخابات ...

**رئیس** - آقای وکیل ماده ۱۰۹ را هم رعایت بفرمائید.

**دهقان** - این اظهار نظامنامه ای نیست این نطق است.

**امیر تیمور** - بفرمائید.

**سید هاشم وکیل** - بنده باید دفاع کنم از انجمن چون بنده هم عضو انجمن هستم هم بشخصیت من حمله کردند بدون اینکه اسم ببرند با احترام وهم بانجمن توهین کردند وهم بجزب توهین کردند از سه جهت بنده حق دارم. به غرض اینست که ما با کمال بیطرفی عمل میکردیم و اینکه فرمودند در اجتماعاتی حاضر شدیم بنده در سه اجتماع به اصرار عده ای از دعوت کنندگان حاضر شدم در هر یک نسیاعت بیشتر توقف نکردم نه صحبت کردم آنجا برای جمعیت و نه حرف زدم.

**رئیس** - اکثریت نیست. عده برای مذاکره کافی نیست تأمل بفرمائید تا اکثریت بشود.

**امینی** - کوتاه تر بفرمائید خسته شده اند.

(در این موقع چند نفر از نمایندگان وارد شدند.)

**رئیس** - اکثریت حاصل شد بفرمائید آقای وکیل.

**سید هاشم وکیل** - در دوره پیش عرض کردم که مرید جناب آقای دکتر شفق و چند نفر از کاندیدا های آن دوره ما را دچار زحمت کردند در صندوق لوسانات که یکی از صندوق های مورد اعتراض فوق العاده بود. بالاخره قاهره با کمال بی طرفی سعی کردیم دیدیم با اینکه اجمالاً میشود گفت خرابکاری در آنجا شده ولی قانون انتخابات ابطال صندوق انتخابات را درست هیچ اجازه نداده برای اینکه در هر صورت اگر اشتغال داد میشود یک رأی صحیح است آنرا نمیشود باطل کرد برای این. که اشخاص از طرف مدتی که انجمن تعیین میکنند حق

دادن رأی دارند و بعد از آن حشاشان ساقط میشود. نمیشود تکلیف مجددی برایشان تعیین کرد که دوباره بیایند رأی بدهند و چون مدت انتخابات هم گذشته نمیشود کسیکه اقدام کرده است و از حق خودش استفاده کرده است حق او را برسانست اینکه دیگری از حق خودش استفاده نکرده است باطل کرد بالاخره پس از دقت زیاد در انجمن بریاست جناب آقای طباطبائی (که بنده کمال ارادت را با ایشان دارم) بالاخره راه حلیکه بنظر رسید گفتم. حکمی جز ماده ۳۰ قانون انتخابات نیست باید که معلوم است که آراء زیادی در صندوق ریخته شده آن مقدار زائد را برداشت و مابقی را خواند و اگر معلوم نیست قدر متیقن میشود بدست آورد بقدر متیقن تعیین بکنند و در قیاس صورت باید بخوانند از این جهت آن صندوق خوانده شد. و یک هدای هم تقاضا کرده بودند بکلی ابطال شود. درین دوره هم شخصی مثل آقای جهانشاهی که رئیس دیوان کشور است در اینجا بود که اگر شما عقیده تان این است که دیگران او را از حیث جریان انتخابات بواسطه اینکه وارد نبودند در این کار او را اغفال کرده اند در مسائل قانونی دیگران نمی توانستند ایشان را اغفال کنند بعد از مذاکرات زیاد در یکی دو مورد که شکایت شده بود باز بهمین نتیجه رسیدیم که اگر مسلم شد رأی زائمی در صندوق ریخته شده باید آن رأی زائد را برداشت از مجموع و باطل کرد و بقیه را خواند و چون در اکثریت هم تأثیری نداشت از این جهت آنچه که زائد تشخیص شده قبلاً برداشته چند موردی هم که زائد تشخیص نشده بود چیز ناقابل بود که در اکثریت هیچ تأثیر نداشت از این جهت گفتم که حکمی غیر از ماده ۳۰ در قانون انتخابات نیست پس ام از اینکه رأی دهنده بیاید رأی بدهد یا آنکه رأی بدون رأی دهنده در صندوق ریخته شده باشد نتیجه این است که یک رأی زائمی یعنی یک رأی بدون رأی دهنده ای در صندوق است و باید. اگر مسلم شد چند تا است بآن عده، و اگر نشد بقدر متیقن بردارند و باطل کنند و اگر معلوم نشد چقدر است باید بخوانند راه دیگری ندارد. حالا اگر قانون ناقص است انجمن تقاضای از قانون نکرده است. و اما در جریان انتخابات که عکسهای ارائه میکردند که دانشجو را کتک زدند و یا در دانشگاه اقدام بفلان عمل شد اینها مربوط بانجمن نبود دانشجوئی را هم اگر زدند در انجمن نزدند (مهندس رضوی - اتفاق دانشگاه مورد تأسف هم اهالی پایتخت است) عرض میکنم آنرا من اطلاع ندارم که چه شده کمین اظهار تأسف بکنم و اگر دانشجوئی مورد تعرض واقع شده بنده هم اظهار تأسف میکنم از این حرکت هر کسی که متکبر شده باشد. اما آنچه که مربوط بانجمن بود آمدند شکایت کردند و آقای کی نژاد بآن شخص هم تفریح کرد و گفت که تو سابقاً شاگرد من بودی و آدم ناراحتی بودی حالا برو درست را بخوان و دست از این حرکت بردار و کارتی هم برای او نوشت ولی چون معلوم شد زد و خوردی که شده در خارج از محوطه انجمن بود که تم این مربوط بانجمن نیست (دکتر متین دقتی - حمل بر صحت است) شما نمیتوانید بروید کلاتری شکایت بکنید و عرض کردم چون در خارج اینکار واقع شده بود انجمن نظارت فقط در انجمن حکومت دارد نه در موضوعاتی

گرواچ بامور انتخابات نیست . و اگر در خارج انجمن کسی بمناسبت مبارزه انتخاباتی مورد تعرض واقع شد آن مربوط بانجمن نیست . باید بروندبراجم خودش شکایت بکنند و بایشان اینطور جواب داده شد و بانجمن مربوط نبود . همان شخصی که آقای صاحب از او شاکی بود که اینهمه تعرض کرده او قبلاً گزارش داده بود که یا کت آورده اند منزل من و سه هزار تومان پول کم آن آراه راهوش کنم و بناست امشب بیایند صحبت کنند از ما تقاضا کرد که برای تحقیقات بنویسیم به تأمینات که با ما مأمور بدهند و در جانی که این مذاکرات میشود در جانی مخفی بشوند و بشوند مأمورین تأمینات او را بگیرند و آن دلیل جرم را که فرمودید توقیف کنند . گفتیم این کارها مربوط بانجمن نیست آقای جمهری پولش را زد کنید برود بی کارش از این جور اغماض ها هم شده است . دلایل دیگر انجمن را به بینید : آقای دکتر مصدق در دوره قبل با ۱۶ هزار رأی وکیل اول شدند در این دوره ۲۰ هزار رأی داشتند و منتخب نشدند علتش این بود که فعالیت انتخاباتی این دوره زیادتز بود . و کاندیدا کمتر . برای اینکه تقریباً دو دسته مبارزه میکردند یکی متعصبین بودند که فرمودید تصمیم گرفتند دخالت نکنند ولی آنها متعصب شده بودند و عمالشان کار میکردند بعد هم که خارج شده بودند در همان چند روزه فعالیت بسیار شدید میکردند و آن نتیجه اش بود شاید هم بقول آقای مهندس خسرو هدایت اگر متعصب نشده بودند شاید اکثریت را هم میبردند . برای اینکه چون یک عده ای وقتشان مصروف تحصن بود و الا شاید اکثریت نصیب آنها میشد ولی در این که رأی دهنده قطعاً زیادتز بود تردیدی نیست ، شما دانشجویان تهران را صد هزار نفر در نطق خودتان معرفی کردید (دکتر متین دفتری . صد هزار تحصیل کرده) صد هزار تحصیل کرده اولادز جامه ۷۰۰ هزار نفری ۱۰۰ هزار نفر گمان میکنم که اشتباه کرده باشید گمان نمیکنم بنده که این اندازه تحصیل کرده مرد باشد که صلاحیت انتخاب کردن داشته باشند ولی حالا شهر را قوی میکنیم ، اگر ۱۰۰ هزار تحصیل کرده باشد چه استبعاد دارد که ۸۰ هزار تفرقه گرفته شده باشد در صورتی که یک عده زیادی هم تحصیل نکرده ها در انتخابات شرکت کردند ، خوب پس استبعاد ندارد که در تهران ۸۰ هزار رأی داده شده باشد . یک قسمتی بود که فرمودند من در زندان با خدای خود عهد کردم که با پیادگیری مبارزه کنم و قیلام خودشان فرمودند که عضو حزب دموکرات بودند در دسته ضد تشکیلی که با اصلاح دسته چپ بر حرارت تری بود از دموکراتها ، فرمودند بنده در آنجا بودم (دکتر متین دفتری - آن را که تکذیب کردید) بنده تکذیب نکردم بنده هرگز جسارت نمیکنم که جناب عالی را تکذیب کنم ولی عرض کردم من از اول زمانیکه دموکراتها وسیله آشنائی بهم پیدا کردند و مجمع ادب در خیابان چراغ برق تشکیل شد خدمت حضرت تالی نرسیدم ولی مرحوم عین الممالک تشریف میآوردند آنجا بدمم در کینه دوم کبسیون فتنش تشکیل شد که امور اداری حوزه های تهران با آن کبسیون بوده و بنده یکی از اعضایش بودم اسم جناب عالی جزء اسامی دموکراتهای تهران نبود .

**رئیس** - جلسه از اکثریت می افتد قدری تأمل فرمائید ( پس از ورود چند نفر از آقایان و کلاه مجدداً شروع بصحبت نمودند) و یکی دیگر جناب عالی آنوقت منشی سفارت بودید یعنی اولین دفعه ای که بنده با جناب عالی آشنا شدم منشی سفارت آلمان بودید و مستخدمین سفارتخانه ها را در حزب نیبید رفتند . از این سه جهت بنده گمان نمیکنم یعنی نمیگویم خلاف مینه مابند شاید همین رفتن بامر حوم عین الممالک را در بعضی از مجامع کافی برای عضویت میدانستید ولی عضو حزب نبودید اما خودتان میفرمائید یک همچو عنصری بودید عنصر فعال حزب دموکرات بعد در زمان کار دولتینان یکدفعه بطوری تغییر کردید که هیچیک از وزرای قبل شما آن اندازه تغییر نکرده بود .

**دکتر متین دفتری** - بنده هم بموجب ماده ۱۰۹ اجازه میخواهم .

**ملک مدنی** - آقای رئیس این صحبتها بنظر بنده ربطی بماده ۱۰۹ ندارد .

**دکتر متین دفتری** - بفرمایند بموجب ماده ۱۰۹ اجازه نطق گرفته اند .

**رئیس** - بنظر بنده هم وارد نیست . ایشان بایستی از خودشان دفاع کنند بعد آمم مخبر بایستی صحبت کند . آقای هاشم وکیل آنچه که مربوط بخود شما گفته شده بفرمائید .

**سید هاشم وکیل** - آنچه که مربوط بخود من بود مربوط بود به همین امر انتخابات بنده هم توضیحی راعرض کردم . دیگر این که فرمودند اگر آراه راندموم نکرده بودند معلوم میشد که عده ای از آراه بیک خط است عابین قسمت در غالب نقاط دیده شده است و حتی برای اشخاص باسواد هم پیش آمد که اسم میدهم آقای تجدد معاون وزارت دادگستری در شعبه انجمن رأی بنده را قایم از دست من و هر چه گفتم برای خودت بنویس قبول نکرد و همان رأی را ریخت و یکی دوتفر دیگر هم بودند همینطور ما رو چند نفر دیگر که نتوانستیم خودمان رأیمان را بنویسیم و اتفاقاً آن اوراقی هم که بن داده شده بود بظلمت من نبود و بظلمت دیگری بود آنرا از من گرفتند ورأی دادند . خوب از آن اوراق زیاد است اگر آمدند اوراقی ، صدورق ، یا هزار ورق بادو هزار ورق بظلمت کفر بود این چه خللی بامر انتخابات وارد می کند ، و یکی دیگر باز کردن اوراق از پشت یعنی روی ورقه را رو بخود بگردیشش را رو بنظر انجمن نظارت مأمور نظارت بامر انتخابات است و بایدهمی کند حتی الامکان بی ترتیبی پیش نیاید و حتی مکرر کشف شده از جمله در دوره ۱۴ که اشخاصی چند ورقه لای هم می پیچند و میخواهند رأی دیگران را باین وسیله ضایع کنند که خودش چند رأی داده باشد آن وقت از مجموع زیادی را بردارند باطل کنند در بصورت باید نظارت کنند باین کیفیت و این منافای بامخفی بودن رأی نیست انجمن باید سمی بکنند که بی ترتیبی حاصل نشود که بعد مجبور شوند و بحکم ضرورت ناچار شوند آن زیادی را از مجموع بردارند . این منافای با سری بودن یا مخفی بودن رأی نیست . گفتند آقا رأیت را ما باید مطمئن بشویم که یک ورقه است ، رو بخودت باز کن دوره بایست باز کن و دوباره به بیچ بدهم هم بینداز توی صندوق

این چه منافائی با قانون دارد ؟ این بکجا قانون بر میخورد ؟ و آن وقت گفته اند که توضیحاتی اظهار کرده اند ولی با آنها اعتنائی نشده ، توضیحات این بود که گفته اند شما طرف اعتماد نیستید و یک اشخاص طرف اعتمادی را خیر کنید بیایند آنجا و ما بیاییم توضیحات خودمان را در آنجا بهمیم و بگوئیم دلایل جرم را (دکتر متین دفتری - تأمین دلیل) تأمین کنند ، مفادش این بود . عرض کردم خودتان اینجا تصدیق میکنید این که فرمودید یک عده از قضات صلاحیتدار این جا بیایند ، ما از قانون استنباط نکردیم که در امر انتخابات مأمورین دادگستری بدون اجازه انجمن حق مداخله داشته باشند کما اینکه در دوره ۱۴ که با همان جناب آقای طباطبائی که مورد احترام بنده و جناب عالی است تشریف داشتند اینطور عمل میشد که اگر کسی مظنون واقع میشد تحقیق میکردند . گزارش بانجمن میدادند . انجمن دستور تعقیب یا منع تعقیب میداد . اگر دستور تعقیب میداد میرفت بدادسرا و الا بطور کلی (رئیس - آنچه که مربوط بخودتان گفته شده باید جواب بدهید) بله اجازه بدهید هر اعتراضی بانجمن نظارت شده من حق دارم آن اعتراض را جواب بدهم ( رئیس - شما عضو انجمن بودید) بله بنده عضو انجمن بودم و این توهین بانجمن است . نگفتند اشتباه کردید ، گفتند غرض ورزی کردید این توهین است اگر میگفتند اشتباه کردید مانعی نداشت گفتند غرض ورزی کردید شما آقای جهانشاهی را اغفال کردید و از بی اطلاعی او در امر انتخابات استفاده کردید . این است که باید تمام مطالب گفته شود روشن شود و معلوم بشود که انتخابات در کمال صحت و با کمال آزادی تمام شده و من چون بنا بر سنده گرفتن نبودند کتبی نکرتم و الا در تمام مواردی که مخالفین حزب دموکرات میآمدند آنجا یا طرف شکایت واقع میشدند و خودشان شاکی بودند اعتراف میکردم که انتخابات در کمال آزادی است و برای فعالیت آنها هم هیچ مانعی نبوده . از این جهت بنده بیشتر زحمت نمیدهم . هر ایش دیگری هم دارم که بعد عرض میکنم .

**دکتر معظمی** - مذاکرات کافی است .

**رئیس** - آقای ملک الشعراء .

**ملک الشعراء بهار** - عرضی ندارم .

**رئیس** - آقای امینی .

**مخبر** - (آقای امینی) خوشبختانه ماده ۱۰۹ کار بنده را سهل کرد برای اینکه قسمتی از جوابها از طرف آقای وکیل داده شده ، اما در قسمت اخیر بیانات خودشان جناب آقای دکتر متین دفتری فرمودند اگر در جریان مذاکرات احیاناً نسبت بایشان جسارتی شود جزء گناهان لایق فرستادن بنده هیچ نوع جسارتی بجناب آقای دکتر متین دفتری نخواهم کرد ولی وظیفه مخبر این است که دلایلی که اقامه کرده بودند بهر ترتیب هسترد بکنند بنده قبلاً عرض میکنم که اگر احیاناً جسارت شود معذرت میخواهم . در جلسه گذشته آقای نماینده محترم مشکین شهر در ابتدای بیاناتشان شرحی راجع بمذاکره خصوصی خودشان بردارند . این منافای با سری بودن یا مخفی بودن رأی نیست . گفتند آقا رأیت را ما باید مطمئن بشویم که یک ورقه است ، رو بخودت باز کن دوره بایست باز کن و دوباره به بیچ بدهم هم بینداز توی صندوق

کردند بعد آنها را بفرمایند ولی چون بنده شخصاً معتقد نیستم که مطالب خصوصی نمایندگان بشکل شکایت و جفلی در پشت تریبون در مقابل ملت گفته شود وارد آت بحث نمیشود و بنمایند محترم هم که سابقه مجلسی نداشته اند ایرادی وارد نمیکنم و گله نمیکنم که چرا چنین صحبتی را کرده اند و همچنین نخواهم گفت که مخالفت جناب آقای دکتر متین دفتری با دکتر امینی بر روی چه سابقه ای بوده است زیرا در اینجا وظیفه من انجام وظیفه مخبری است نه ابراز احساسات برادری بهر حال اگر چه مخالفت من با برادرم مشکین شهر که جناب عالی اشاره فرمودید بر روی اصول و جریان انتخابات آنجا بود ولی چون ایشان قبل از اینکه بنده چنین عملی کرده باشم آنرا حمل بر مراضه شخصی نموده اند من همچنین مخالفت نخواهم کرد همانطوری که تاکنون با کسی مخالفت نکرده و نخواهم کرد من اصولاً از تشار و تعاضد در مجلس بیزارم و معتقدم که در این خانه همه باید با برادری برای پیشرفت امور ملک و ملت همکاری کنیم . احترامی که من با آقای متین دفتری دارم مربوط بزحمتی است که ایشان برای تعلیم طبقه روشن فکر و تحصیل کرده این مملکت مانند سایر استادان محترم دانشگاه که درنجا حضور دارند و در خارج از مجلس هم تشریف دارند تحمل شده اند . همه ما طبقه تحصیل کرده کشور که امید آتی این مملکت هستند درود میفرستیم و برای آنها احترام قائل هستم و مخصوصاً باید سعی کنیم دانشجویانی را که امروزه در دانشگاه مشغول تحصیل هستند در مشاجرات سیاسی وارد نکنیم و آن افراد معصوم و پاک را تهییج نکنیم که احیاناً میآید خودشان را دور از توجه و احترام نمایندگان ملت بدانند ( مکی - استقلال مصر را دانشجویان مصر گرفتند ) . من در بیانات جناب آقای متین دفتری در جلسه گذشته با نهایت تأسف مطالبی شنیدم که اظهار داشتند در کارخانه بلورسازی صندوقی برای هزار و کسری کارگر گذاشتند ولی در دانشگاه برای هفت هزار دانشجو حق رأی دادن قائل نشدند و آنها را از رأی دادن محروم داشتند . در همان موقع یادداشت از آقای نیکبور برای رسیدن که وجود چنین صندوقی را در کارخانه بلور کذب محض دانسته اند و چنین اظهاری را از طرف آقای متین دفتری با تعجب تلقی کرده اند . بنده در اینجا گله نمیکنم که چرا جناب آقای دکتر متین دفتری چنین اظهاری را بفرمایند که همانطور که عرض کردم باعث تهییج و تحریک دانشجویان عزیز و پاک و معصوم بشود . آقای متین دفتری مقدمه ای در خصوص هفت سال دور بودن خودشان از زندگانی سیاسی و ایامی را که در حبس متفقین بسر بردند متذکر شدند و مخصوصاً قید کرده اند که از همان روز با خدای خود عهد کردند که با قانون شکنی و بیادگیری مبارزه کنند من از این عهد و پیمانی که با خداوند متعال کرده اند خوشوقتم و معتقدم که این پیمان را از همان روزیکه وارد در خدمت دولت شدند . و با بر سره زندگانی اجتماعی و سیاست گذارند باید میکردند (صحیح است) زیرا اگر در آن روز این عهد میشد هرگز لغزشی در زندگانی سیاسی خود نمیکردند برای تسلی خاطر ایشان باید بگویم که دنبالدار مکافات است و انسان مأمور در کردن کشته خویش است همیشه در فراز دنیا

باید بشکر نشیب بود و آه دل بیرزن مظلومی را باید ندای خدا داشت نباید کسی را بجس و شکنجه انداخت تا مبادا انسان خود دچار آن شود . امیدوارم آنها بیکه باعث حس رفتن و شکنجه و شکایت آقای دکتر متین دفتری شده اند بنده خود بمکافات عمل خود برسد . ناطق محترم فرمودند که چون بجز این انتخابات تهران معترض بودند کافی دانستند باینکه مخالفت کنند و برای احتراز از تشنج مجلس لازم ندانستند به عموم منتخبین تهران اعتراض نمایند . در این صورت استانسمحتره دانشگاه حقو بباشتابه بزرگ سیاسی و حقوقی مرتکب شدند و آن این بود اگر بجز این انتخابات معترض هستند باید با انتخاب آقای عباس مسعودی که از منتخبین تهران هستند رأی ندهند زیرا قیام ایشان در رأی دادن بیکی از منتخبین تصدیق جریب انتخابات تهران است (صحیح است . صحیح است) . نماینده محترم مشکین شهر باین جانب اعتراض فرمودند که چرا در خبر شعبه دلالی بر آزادی انتخابات تهران ذکر کرده ام و فرمودند خداوند این آزادی را نصیب سیاهان افریقا نکند و ضمناً اشاره کردند که اعضا انجمن از کاندیدا های انتخابات و بستگان آنان و از اشخاص بی - شخصیت انتخاب شده بودند . من معتقدم که آزادی را افراد بی حیثیت و بی شخصیتی که مجری مقررات هستند از ملت سلب میکنند و در هر مقامی عناصر فاسدی که بر سر کار هستند بمنظور جاه طلبی و استفاده جوئی دست بکارهایی میزنند که آزادی را بدنام نموده و مردم را از اسم آن بیزار و منزجر میسازند . محضاط دارم در دوره چهاردهم در لوانسان بودم و برای انتخابات دکتر امینی فعالیت میکردم با عده ای برای ریختن رأی بصندوق لوانسان رفتم . شخصی بنام اخوی که گویا از دوستان آقای دکتر متین دفتری است ( البته بدون اطلاع خود ایشان ) علناً اظهار می داشت ارائی که نام متین دفتری نداشته باشد بصندوق انتخابات نخواهد رفت . من این شکایت را در همان موقع بانجمن مرکزی انتخابات کردم و همان جواب هائی را شنیدم که آقای متین دفتری در دوره یازدهم از انجمن مرکزی شنیدند پس اگر افرادی در نتیجه غرضی و نظریه های خصوصی در امر انتخابات مداخله تا مشروع می کنند گناه دستگاه مرکزی نیست زیرا باتوسعه ای که انتخابات تهران داشت عملاً برای انجمن مرکزی مجال بود که در تمام شعبه ها بتواند اشخاصی نظیر مرحوم مشیر الدوله انتخاب کند . باضافه باتکاه اظهار آقای دکتر متین دفتری که فرمودند درین دوره قریب ۲۰ هزار نفر از دانشجویان و اصناف بایشان رأی داده اند عرض میکنم که اگر در دوره چهاردهم که خود ایشان با آزادی انتخابات آن دوره اعتراض نداشته اند دارای در حدود ۲۰ هزار رأی بوده اند و این دوره متجاوز از ۲۰ هزار رأی داشتند چگونه میتوان گفت که در دوره یازدهم آزادی انتخابات از ملت بکلی سلب شده بود . آقای متین - دفتری اظهار تعجب کردند که چرا ششم پاک و خوش نامی مانند جناب آقای جهانشاهی را در انجمن انتخابات وارد کرده اند . تعجب در این است که گویا نماینده محترم انتظار داشتند که شخص نایاکی را در انجمن وارد کنند و او زیابک سازند . با این استدلال معلوم میشود انجمن جزو مطهرات است و در آتیه باید

نایابان را برای تطهیر بانجمن انتخابات دعوت نمود . مطالبی که ناطق محترم راجع بعزب دموکرات گفتند و گله و شکایتی که از فعالیت های شدید افراد حزبی در انتخابات داشتند در اینجا حلاجی شد و جواب هائی داده شد که بنده زائد میدانم در آن قسمت اشاره و تکرار کنم ولی البته مراجعه به مبارزه انتخاباتی مالک راقبه تا به می کند که مبارزه انتخاباتی مستلزم فداکاریها و زد و خورد هائی است که برای گذراندن نامزدهای انتخاباتی به عمل میشود حزب دموکرات همیشه درین راه مجاهدت خود را میدول داشته و ما امیدواریم در آتیه موفقیت های بیشتری در راه خدمت بمملکت نصیب ما گردد و البته تاریخ خدمات این حزب بزرگ ملی را برای همیشه ثبت خواهد کرد . اعتراضی به بند چهارم از گزارش تقدیمی اینجانب بمجلس شورای ملی فرمودند و اظهار داشتند ممکن است دره دقیقه اول احیاناً حساب ۲۶ تفرقه در ۵ دقیقه صحیح باشد ولی نمیتوان ۸ ساعت ۱۴ ساعت بی دربی این عمل را انجام داد در بخصوص در انتهای گزارش گفته شده است که اگر بحساب ۲۶ تفرقه در ۵ دقیقه از ۸ ساعت کار توجه شود ، شعبه میتواند ۲۴۹۶ تفرقه توزیع کند با حسابی که در فرمانداری شد در صورتیکه شعبه نامبرده هر روز در حدود ۱۴۰ تفرقه توزیع کرده است . یعنی قریب نصف آن میزان بنا بر این اگر فرض جناب عالی صحیح باشد که در تمام ۸ ساعت کسی نمیتواند آنطور کار بکند لافاقل میتواند نصف آن آرائی را عمل بکند و درین صورت نظر آقای متین دفتری هملا تأمین شده است و اصل ایراد وارد نیست و اختلافی در بین نماینده و از نصف هم کمتر است .

نسبت به بند ۷ گزارش تقدیمی ایراد فرمودند که ماده ۳۰ قانون انتخابات در این مورد وارد نیست بنده از جناب آقای دکتر متین دفتری سؤال میکنم که اگر طبق ماده ۳۰ عمل نشود بچه ترتیب باید عمل کرد ؟ فرض کنیم معترضی در انتخابات مشکین شهر مدعی شد و یا سند آورد که در چند صندوق رأی داده است آیا باید انتخابات مشکین شهر باطل کرد و یا باید طبق ماده ۳۰ انتخابات آراه زائد را از صندوق خارج نمود این سؤالی است که از جناب عالی میکنم چون واقفاً هیچ ماده ای در قانون انتخابات تکلیف مارا روشن نمیکند و در چنین موردی جز اجراء ماده ۳۰ راه دیگری نیست و تصور نمیکنم اعتراض آقای متین دفتری وارد باشد . اما در خصوص مداخلات وزارت کار و جیب های آن وزارت خانه سؤالی از وزارت نامبرده کردم و جوابی داده اند که هینا بیخوام البته نه بامضای وزیر کار ولی بامضای یکی از مدیران کل .

جناب آقای دکتر متین دفتری در جلسه یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۲۶ مجلس شورای ملی نسبت بمداخلت وزارت کار و تبلیغات در انتخابات تهران اظهاراتی نمودند که حفا دور از انصاف و مزوت بوده و اینوزارت ناچار ضمن تکذیب آنها مراتب زیر را برای استحضار عموم توضیح میدهد :

وزارت کار و تبلیغات بموجب تصویب نامه شماره فلان که در زمان فترت مجلس شورای ملی قائم مقام قانون است تشکیل گردیده و در بدو کار با مشکلات فراوانی که همه اهالی کشور بخوبی اطلاع دارند مواجه شد شورای متحده مرکزی باستکی کامل بعزب نموده

ایران تمام مقدرات صنعتی و فلاحی را در دست گرفته و با ایجاد آشوبها و اختلافات بین کارگر و کارفرما و زارع و مالک مقصود نامشروع خود را تعقیب مینماید که برای نمونه وضعیت کارگری کارخانه دولتی روغن کشی ورامین را اختصاراً شرح میدهم:

این کارخانه در سال های قبل از ۱۳۲۰ فقط ۸۵ نفر کارگر در استخدام داشت که حقوق متوسط آنها ۴۰ ریال در روز بود. بر اثر مذاکلات غیر قانونی شورای متحده و مخصوصاً تحریکات و اعمال نفوذ های بی رویه و غیر مشروع اسکندر سرایی معروف تعداد آنها بعداً به ۲۸۵ نفر یعنی بیش از سه برابر موقع هادی ترقی داده شد و حقوق آنها نیز روزانه از بین ۸۰ الی ۱۵۰ ریال تعیین و پرداخت میگردد و چون موجبی برای ازدیاد کارگر از قبیل توسعه کارخانه و یا محصول آن در بین نبود و حقاً این کارخانه به بیش از ۸۵ نفر کارگر احتیاج نداشت و مقصود منحصراً از این انتصابات فشار بدستگاههای اقتصادی و مالی کشور و پرداخت حقوق مجانی بیک عده اشخاص معلوم الحال بودناگزیر کارگران اضافی و اشخاصی که مخصوصاً برای خرابکاری و فلج کردن امور استخدام شده بودند با استفاده از بیکاری و در دست داشتن کارت عضویت شورای متحده بدهات و قراه مجاور رفته و ضمن یک سلسله تبلیغات مفسده انگیز اظهار مینمودند که نتیجه کارمندی شورای متحده دریافت حقوق روزانه ۱۵۰ ریال و بیشتر برای یک کارگر ساده میباشد و با این ترتیب از یک طرف زاهدین و کارگران را بشورش و هشیان در برابر مالکین و کارفرمایان واداشته و از طرف دیگر قدرت و نفوذ خود را با ایجاد رعب و هراس در دلها افزونتر میساختند و مقدمات اقدامات خائنانه براندازی را فراهم مینمودند. (اینها زیادی است) . بهر حال اگر آقایان خسته نشوند این جوابی است که از وزارتخانه رسیده است خواننده شود (بعضی از نمایندگان بفرمائید آقا) . که آقایان نمایندگان ملت مخصوصاً آقایانی که در اطراف طهران علاقه ملکی دارند از این جریان بخوبی مطلع می باشند! این جریان در تمام کشور شدت ادامه داشت و دولت وقت از لحاظ مسئولیت حفظ انتظام و امنیت کشور ناگزیر با اتخاذ تصمیمات جدی و اساسی برای رفع این بلوا و آشوب و تفرقه و تشتت و خاموش کردن آتش خانمانسوز جنگ داخلی که حیات اقتصادی و سیاسی کشور را تهدید مینمود کردید که آقایان نمایندگان ملت بخوبی از این اقدامات و نتایج مفیدی که از آن گرفته شد واقفند و وزارت کار برای جلوگیری از این وضع و روشن ساختن ذهن دهقانان و کارگران فریب خورده و رفع اختلاف بین کارگران و کارفرمایان عدهای مأمور تربیت شده و مطلع و آشنا بقوانین مربوطه بدهات و قراه اعزام دارد و چون مأمورین لیسانسیه دولت حاضر بر رفتن دهات نبوده و در بین مأمورین دیگر نیز اشخاص مطلعی که بتوانند منظور فوق را تأمین نمایند وجود نداشت لذا وزارت کار کلاس مخصوصی برای تربیت مأمورین و آشنا ساختن آنان بقوانین کار و

سایر مقررات مربوطه تأسیس نموده، دانش آموزان کلاس در دو ماهه مهر و آبان بفرار گرفتن تعلیمات مربوطه اشتغال داشته و پس از طی دوره کلاس آنها مأموریت داده شده که تحت نظر و تعلیمات بازرسان مربوطه (که برای هر قسمت یک بازرسان عالی رتبه مأموریت داشت) برقع اختلافات حاصله بین مالک و زارع و کارگر و کارفرما مشغول شوند و مخصوصاً بطی بخشنامه های شماره ۳۰۳۰ ر ۱۱۰۰۰ - ۲۳۰۹۲۳ و ۳۷۴۰ - ۲۵۰۹۲۵ که رونوشت آن بضمیمه است بامورین نام برده دستور اکید داده شده که از هر گونه اعمال افراض خصوصی و حزبی خود داری نموده صرفاً مأموریت اداری خود را انجام دهند و آمار کار مأمورین نام برده در اداره کل بازرسی وزارت کار موجود است باین حال جای تعجب است که آقای دکتر متین دفتری چنین وانمود کرده اند که کلاس اختصاصی وزارت کار برای تعلیم مداخله در انتخابات تشکیل شده و شاگردان کلاس تعلیم مداخلات نامشروع در انتخابات گرفته و بآن عمل کرده اند آیا بزم جناب آقای دکتر قانون کار تعلیم مداخله در انتخابات است والا در کلاس مزبور جز قانون کار و بیمه کارگران و امور اداری چیز دیگری تدریس نشده! ... و اما مسئله جیبهای وزارت کار که آقای دکتر متین دفتری با اهمیت فراوان از آن نام برده اند وزارت کار عده جیب برای رفع احتیاجات اداری خود خریداری نموده و آنرا در اختیار بازرسانی که بامأموریت خارج برای رفع اختلاف کارگر و کارفرما و زارع و مالک اعزام میشده اند میگذاشته و با در اختیار رؤسای ادارات کار و تبلیغات شهرستان های درجه اول قرار میداده است که صورت کامل آن و اینکه چه اشخاصی از این جیبها و برای انجام چه اموری استفاده کرده اند در اداره انتظامات وزارت کار موجود است باین حال جای تعجب است که جناب آقای دکتر با آنهمه سابقه درخشان اداری از اینکه یک وزارتخانه جدیداً تأسیس دهفته جیب خریداری نموده و در اختیار مأمورین خود برای انجام امور اداری گذاشته این را دلیلی برای مداخله وزارت کار در انتخابات محسوب میداشته اند. بنابراین گویا وزارت کار برای این که از این اتهام میرا بماند لازم بود که در تمام دوره انتخابات اتومبیل های خود را بیکار گذاشته و به مأمورین نهد و هیچ مأموری هم بدهات و شهرستانها اعزام ندارد ... که متأسفانه این امر هم غیر مقدور بوده است. با ابراز حقایق فوق ملاحظه میفرمائید که جناب آقای دکتر متین دفتری تا چه پایه در قضاوت نسبت بوزارت کار و تبلیغات از طریق انصاف منحرف گردیده و بجای تشریح و تقدیر از کسانی که در برانداختن ریشه تفرقه و نفاق و جنگ داخلی و فرونشاندن آتش آشوب و بلوا از خود گذشتگی و فداکاری، ابراز داشته و با کمال صمیمیت وظایف اداری و ملی خود را انجام داده اند آنرا مورد بی مهری و تهمت قرار داده اند مسا قضاوت این موضوع را بساحت مقدس مجلس شورای ملی و نمایندگان واقعی ملت واگذار مینمائیم»

البته این بخشنامه ها را نمیخوانم چون مفادش همان است که در این نامه ذکر شده و یک موضوع را میخواهم متذکر بشوم خدمت آقای دکتر متین دفتری همین احکامی که خواسته اید اینجا موجود است با این تفاوت که این

احکام در دوم آذر ماه صادر شده است و انتخابات تهران در شنبه ۲۱ دی ماه بنا بر این قریب ۲ ماه فاصله بوده است، با احکامی که برای این دانش آموزان صادر کرده اند که بدهات بروند تا شروع انتخابات و اینهم تصور میکنم که سوء تفاهمی برای جنابهای ایجاد شده باشد بنده دیگر پیش از این مزاحم آقایان نمیشوم (بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

**دکتر متین دفتری** - از بنده سئوالاتی و اعتراضاتی کرده اند که اگر اجازه میفرمائید جواب بدهم .

**رئیس** - اگر مطابق ماده ۱۰۹ است بفرمائید

**دکتر متین دفتری** - حرفی که زده شده بنده جواب میدهم مطابق ماده ۱۰۹ است .

**رئیس** - اگر مطابق ماده ۱۰۹ است بفرمائید

**دکتر متین دفتری** - بنده فرمایشاتیکه آقای وزیر کردند میخواهم وارد بشوم ، بنده جزء حزب دمکرات تشکیلی یا ضد تشکیلی بودم یا نبودم کاری ندارم ، چه تأثیری در این اوضاع و احوال دارد و گمان میکنم که آقای محمود که با ایشان همکاری میکردم خاطرشان باشد، اگر در اوراق خودمم بگردم سابق زیادی در آنجا هست (محمود محمود - ایشان همیشه با ما بودند منتها مرحوم پدرشان ) عرض کنم بنده اجازه ماده ۱۰۹ را فقط برای آقای وکیل خواستم، بیشتر نسبت با آقای وکیل و یکقدری هم در جواب آقای امینی و جواب وزارت کار و تبلیغات، عرض کنم که آقای وکیل در بیانان نشان بیک جوانی که در انجمن نظار مورد تعرض واقع شده یک عنواناتی کرده اند متأسفانه خود او در اینجا حاضر نیست که از خودش دفاع کند ولی یک عنواناتی کردند خیلی ماهرانه و آوکامآب که خواستند یک تخم سوهظنی در واقع کاشته باشند. خوب بود اگر خیلی در این مسئله اصرار دارند و یک دلالی دارند ، یک کمیسیون برای این کار تشکیل میشد . اینجا که جای این مطالب نیست که با اظهار مطالبی از یک طرف بدون شنیدن اظهارات طرف دیگر قضیه روشن شود. اگر آقا اطلاعاتی دارند خوبست بیکطور دیگری رسیدگی بشود و برض مجلس برسد

اولاً آقای وکیل یک جوابهایی دادند که هیچ مربوط بآن اعتراضات صریح و روشنی که بنده اینجا دادم نیست ، بنده گفتم یک نفر از آن اشخاصی که در شهرستانک تعرفه گرفته اند در آنجا پیدا نمیشود این جوابش چیست ؟ ایشان آمدند و از بیطرفی خودشان صحبت کردند این که مربوط نیست . بنده عرض کردم که شما را ستایش میکنم برای آن اعمالی که در آن انجمن دوره چهارده کردید یعنی از نظر آن شرکتی که در آن داشتید . بنده هم از داخله کار بد . بنده دیگر حمله فردی بجانبالی نکردم که فلان کار را شما کردید و فلانکار را شما نکردید بنده بطور کلی ایراداتی بانجمن و بهیئت انجمن داشتم و جوابهایی که آنها بمن داده اند ایراداتیکه بنده کردند ، همه اش بانجمن بود اگر بخواهم دو مرتبه آنها را تکرار کنم خیال نمیکندم قضی باشد. اما آقای امینی خیلی مهارت بخرج دادند. در بیان توضیحات خودشان

خواستند که باصلاح در حدود شخصیات وارد نشوند ولی خیلی در لافها راجع باصل مجازات و مکافات خواستند صحبت بکنند نمیدانم این اصل مجازات چرا اینطور است که هر کس کار بد میکند مجازاتش بد است ولی در بعضی از خانواده ها معکوس میشود . اما در جواب وزارت کار ، بنده یک اظهاراتی کردم بوجوب یک اسناد و مدارکی بانمره و تاریخ ارائه کردم ، وزارت کار هم جواب میدهد و میگوید این آقایان در امر کارگر و کارفرما مداخله کرده اند بنده که مسبق نبودم که وزارت کار نامه ای نوشته ولی این را که در مجلس نمیشود روشن کرد بنده مطمئن هستم اطلاعاتیکه دارم و برض مجلس رسانیدم صحت دارد حالا اگر وزارت کار صحت آن ها را تردید میکند و میخواهد بگوید من اشخاصی بعنوان دانش آموز استخدام کردم و اینها را درماه انتخابات (حالا آقای امینی میخواهند بفرمایند چند روز قبل از اخذ آراء بوده است) انتخابات مقدمات دارد آقا و بعد معلوم نیست این شخص که در آذر ماه رفته فوراً که برنکشته خرابکاریهایش را کرده و برگشته (خنده نمایندگان) دانش آموز نرفته که فوراً برگردد رفتن هم که قابل تردید نیست اگر مجلس شورای ملی حاضر بشود که دست عرایض بنده ثابت گردد بنده خواهش میکنم یک کمیسیونی تشکیل بدهند بروند آنجا از دفاتر وزارت کار نتیجه انتخابات را بگیرند، این اطلاعات را تردید نمیشود کرد. عرض کنم حساسداری که مطلع است ، کارگرنی که مطلع است ، از همه اینها میتوانند اطلاعاتی بگیرند و جمع آوری کنند و ببینند حرفهای بنده صحیح است یا نه ، و البته با اینها که نمیشود این مسائل مسلم را تردید کرد ، بنده از وزارت کار سئوال میکنم که دو روز پیش در روزنامه ستاره بامهر ایران خواندم که مؤمنی نام مأمور وزارت کار در کوز از چکار میکند جز برای انتخابات آرامه رفته است ؟ میل دارند سفسطه بکنند . اگر راست میگویند برای اختلافات بین کارگر و کارفرما بوده است در لوسانات چه اختلاف کارگر و کارفرما بوده است که در ماه آبان دانشجو برود آنجا ؟ (ابوالقاسم امینی - بنده پیشنهاد حذف ماده ۱۰۹ را میکنم) یک کلهای هم از آقای امینی دارم که نسبت بدوست صمیمی بنده فرمودند . در صورتیکه اگر کسی موقعی که بنده در بازداشت بودم در اینجا نبودم اگر صمیمیتی نسبت به بنده خرج داده باشد قابل تهمت نیست . جنابهای هم خودتان فرمودید برای انتخابات برادران رفته بودید آنجا ، بنابراین نباید این اظهار را بفرمائید .

**مسعود نابتی** - من پیشنهاد کفایت مذاکرات کرده ام .

**عامری** - مقدم بر پیشنهادات کفایت مذاکرات تقاضای بنده است .

**رئیس** - مربوط بچه ماده ایست ؟

**عامری** - طبق همان ماده ۱۰۹ بود بنده هم جزء انجمن نظارت انتخابات تهران بودم (همه) شدید نمایندگان - آقا رای بگیرید .

**رئیس** - آقای عامری بطور اختصار بفرمائید.

**عامری** - بنده بشهدات آقایان و ملی برای حرف زدن نداشته و ندارم . در یک کشوری که فقر و فاقه و بدبختی ما را تهدید میکند و در تمام ایالات و ولایات ایران آنچه را که می بینیم ، هر روز رفیق محترم بنده آقای مسعودی متذکر هست و هر روز این گرفتاری و بدبختی زیاد تر میشود بهیچ وجه اختلاف و تشنج را صلاح نمیدانم و بصصامت مملکت هم نیست. بعد از اینکه مجلس شورای ملی اعتبارنامه ده نفر از وکلای تهران را تصویب کرد حتی اینجا مذاکره شده که جناب آقای دکتر متین دفتری هم بسود بعضی از آقایان رای دادند. (دکتر متین دفتری - بنده بهیچکس رای ندادم) دیگر بنظر من موقعی نبود از برای این مذاکرات آنچه که مربوط بانجمن نظارت انتخابات تهران بود چون بنده هم افتخار عضویت آنرا داشتم خیال میکردم با نهایت بیطرفی هر جا شکایتی بشود آنچه که ممکن است جلویش را نگیرند، سعی کردیم که یک شکایت هم بانجمن بیایم . آقای جهانشاهی راهم میشناسند (حاج آقا رضا رفیع - رای بگیرید آقا) مگر بنده حق ندارم حرف بزنم ؟ اینکه معنی ندارد تا یک کسی میخواهد حرف بزند نمیگذارند ، بنده هم سعی کردم با تمام قوا هر شکایتی که میرسد بانهایت بیطرفی رسیدگی بشود تقاضا کردیم خواهش کردیم که آنچه را که شکایت میکنند تسلط آنجا بیکه وظیفه انجمن است بیاورند بانجمن و انجمن رسیدگی کند ولی جز یکی دو مورد شکایت نیامد که آن را هم بلافاصله بعد از وصولش آدم تعیین کردیم و فرستادیم برای رسیدگی و آنچه را که از عهده مان بر میآید کردیم بنده بیشتر از این نمیخواهم مزاحم آقایان بشوم و وقت آقایان را تلف کنم چون می بینم عده ای از آقایان دلشان میخواهد رای گرفته شود با اعتبارنامه آقای دکتر امینی بهمین جهت بنده بهمین جا اکتفا کرده و حرفهایم را تمام میکنم (نمایندگان رای ، رای)

**رئیس** - رای میگیریم (دکتر اعتبار بنده پیشنهاد داده ام) پیشنهاد شما را خواندم وارد نیست .

**دکتر اعتبار** - بنده پیشنهاد داده ام که رای با قید یک جمله ای گرفته شود ، پیشنهاد بنده را نمیتوانید نخوانید ، بنده اعتراض میکنم .

**رئیس** قرائت میشود ، هر پیشنهادیکه برسد من نمیتوانم مطرح کنم ، بخوانید ببینید وارد هست؟ شرح زیر قرائت شد :

ریاست محترم مجلس شورای ملی نظر باین که جواب اعتراضات آقای دکتر متین دفتری راجع بمعاذرت وزارت کار و تبلیغات

انتخابات قانع کننده نبود پیشنهاد میکنم باعتبار نامه آقای دکتر امینی شرح ذیل برای گرفته شود :

« مجلس شورای ملی با اظهار تأسف از فعالیت وزارت کار و تبلیغات باعتبار نامه آقای دکتر علی امینی رای میدهد . » دکتر اعتبار .

**رئیس** - اصلاً این چه جور پیشنهادی است ، تا حالا سابقه نداشته است ؟

**دکتر اعتبار** - آقایان اجازه بفرمائید . این تأثیری که از مخالفت و موافقتهاست که در این جلسه و در جلسات گذشته شد آنها را یکدفعه فراموش بکنند و توجه بفرمایند که ما علاقمندیم که در این مملکت اساس آزادی و مشروطیت حفظ بشود، بنده امیدوارم که در دوره شانزدهم انتخاباتی بشود که آن انتخابات با نظارت وزارت کار یا یکدسته که شایسته آن نباشند انجام نشود (عباس زرافعی - در پرورد هم فولادوند را تبعید نکنند حبس نکنند) بنده هم خود نهایت علاقه را بتصویب اعتبارنامه آقای دکتر امینی دارم . ایشان را یکی از جوانان بسیار با فکر این مملکت میدانم . شخصاً فلانمندی حفظ اصول بمقتد بنده باید بشود ، وقتیکه اینجا صریحاً یک نفر بلند میشود و یک مدارکی روی میز میگذارد و میگوید که فلان دستگاه دولتی در اینکار دخالت کرده است و رسماً هم هیچ کسی نمیتواند بگوید نکرده است مجلس شورای ملی نمیتواند باین رای بدهد بنده متقدم باین پیشنهادیکه کرده ام بنده نسبت بتمام وکلای تهران رای داده ام با آقای دکتر امینی هم رای میدهم ولی اگر این صحبتها اینجا نمیشد کار مجلس خیلی سهلتر بود (ابوالقاسم امینی - پس اینهمه بیرونه وزارت کار چیست ؟)

**رئیس** - آقایانیکه با پیشنهاد آقای دکتر اعتبار موافقت دارند بقیام فرمایند (چند نفری برخاستند) تصویب نشد .

**حاذقی** - در صورت مجلس قید بفرمائید یک نفر بلند شد

**رئیس** - رای گرفته میشود بنمایندگی آقای دکتر امینی از تهران آقایان موافقین قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد (بعضی از نمایندگان مبارک است انشاء الله) . چون اعتراضی که نسبت با آقای امین استندیاری شده بود استرداد شده رای میگیریم بنمایندگی آقای امین استندیاری .

**حسین مکی** - عرضی دارم .

**رئیس** - دیگر نمیتوانید مخالفت بکنید

**حسین مکی** - خیر آقایان بنده با اعتبار نامه ایشان مخالف نیستم با تغییر دستور مخالفم . علاوه عدهای هستند که الان در خارج مشغول غارت و چپاول هستند و بین آقایان و کلامم نشسته اند تکلیف اینها باید معلوم شود (یک نفر از نمایندگان - آقای هاشمی است که الان در شهرداری مشغول کار است)

**رئیس** - گوش بدهید آنها که استرداد شده در دستور مجلس بوده باید بترتیب رای گرفته

شود ( صحیح است ) مبنیطور هم راجع بوقلائی آذربایجان عمل شد .

**سیدهاشم وکیل** - در جلسه پیش رای گرفته شد که انتخابات تهران مقدم باشد نسبت بعلی وکیل باید رای گرفته شود .

**رئیس** - نوشته اند راجع بعلی وکیل چون غایب است بمآند تا خودش بیاید **نمایندگان** - مانعی ندارد رای بگیری .

**رئیس** - رای میگیریم بنمایندگی آقای علی وکیل از تهران آقایانیکه موافقت قیام کنند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد . رای میگیریم بنمایندگی آقای یمین اسفندیاری از بابل موافقت قیام نمایند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد . آقای ارسنجانی مخالفت خودش را با آقای عبدالقدیر آزاد استرداد کرده اند ( نمایندگان - احسن ، رای بگیری ) .

نامه آقای ارسنجانی بشرح زیر قرائت شد . ریاست محترم مجلس شورای ملی - بنابه تکلیف رفقای حزبی از اعتراض خود نسبت با آقای عبدالقدیر آزاد صرف نظر میکنم و با جریاناتیکه پیش آمد صلاحیت ایشان را برای نمایندگی کمتر از کسی نمیدانم . حسن ارسنجانی .

**رئیس** - رای گرفته میشود بنمایندگی آقای عبدالقدیر آزاد از سبزوار موافقت قیام فرمایند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد . سه نفریکه اعتراض کرده بودند بنمایندگی آقای محمود یس گرفته اند .

**محمد علی مسعودی** ( منشی ) - آقایان صدر کشاورز ، کفائی و آزادو فرامرزی که با اعتبارنامه آقای محمود محمود مخالفت کرده بودند درجلسات گذشته مخالفت خودشانرا طی نوشته ای که داده اند مسترد کرده اند . بشرح زیر قرائت نمودند . ریاست محترم مجلس شورای ملی . اینجانب مخالفت خود را با آقای محمود محمود مسترد میدارم .

کفائی - آزاد - صدر کشاورز - فرامرزی **رئیس** - رای میگیریم بنمایندگی آقای محمود محمود از نجف آباد موافقت قیام فرمایند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد . اولاً پیشنهادی رسیده برای ختم جلسه ، چون فردا عید مشروطیت است و روز چهاردهم مرداد است و بمناسبت تصادف با ایام سوگوارى جشن گرفته نمیشود و تعطیل است در همه سال معمول بود که بحکم قرعه در چنین روزی يك هیئتی انتخاب میشدند برای عرض تبریک به پیشگاه همایونی شرفیاب شوند ( بکفر از نمایندگان - مقتضی نیست آقا ) حالا چون تعطیل است من میخواهم از مجلس کسب تکلیف کنم ، البته جشن گرفته نمیشود ولى تشریفات آن بعمل بیاید یانه ، اگر آقایان موافقت آن هیئت انتخاب شود . آقای قائم مقام فرمایشی دارید بفرمایند .

**قائم مقام رفیع** - انتظار مردم ایران از این مجلس دوره با نهم شاید بیش از هر دوره بوده زیرا که فترت ممتدی در این چند ماهه روی داده و اتفاقات عجیب و غریبی برخلاف سابقه اتفاق افتاده مردم دیگر بیشتر از این دیگر طراقت ندارند برای اینکه این آقا وکیل باشد آن آقا وکیل نباشد چندین روز وقت بگذرانیم من میخواستم از آقایان استدعا کنم به تشریفات ا لیه مجلس خانه داده شود و شروع کنیم بانخاب هیئت رئیسه .

**رئیس** - پیشنهادی هم در همین زمینه رسیده . **حاج آقارضا رفیع** - و مجلس را درست بکنیم و بالاخره ما يك فکری برای مردم بکنیم ( صحیح است ) امروز در انگلستان شما می بینید که وزراء و وکلا نشسته اند و برای اقتصادات از هر کارشان دست کشیده اند و کار میکنند ماهمین طور در اینجا نشسته ایم ، این کار تا حالا خیلی خوب بود ولی حالا دیگر خوب نیست از این بیهوده باید يك کاری بکنیم ( رئیس - صحبتانم راجع بفرما بود ) بعقیده بنده اگر بعید فطر موکول شود خیلی بهتر است .

**رئیس** - عید فطر تصویب میشود برای تبریک . **۳ - بیانات آقای دکتر شفق راجع بیادآوری از ارواح شهدای آزادی و يك دقیقه سکوت برای آن** **رئیس** - پیشنهادی از آقای دکتر شفق رسیده قرائت میشود . بشرح زیر قرائت شد : تصمیم هیئت مدیره مجلس در باب تعطیل جشن مشروطیت صحیح است پیشنهاد میکنم برای تعظیم شعائر مشروطیت و یاد از ارواح شهیدان راه آزادی در این جلسه یک دقیقه قیام با سکوت مجری گردد . دکتر شفق .

**دکتر شفق** - حدود چهل و دو سال واندی است در کشور ما نهضتی شروع شده و این نهضت موسوم شد بنهضت مشروطیت و آزادیخواهی در آن موقع کشور ما چنانچه همه میدانید چه از لحاظ سیاست خارجی و چه از لحاظ سیاست داخلی گرفتار مصائب و محنتی بوده مین مهم مورد تجاوز برخی دشمنان خارجی بود و هم گرفتار کشمکش ها و تقایس و بدبختی های داخلی در این کشور طالع خواست و تقدیر الهی مدد کرده یکمده از زعمای روشنفکر منور این کشور که آنها را بتوان آزادیخواهان و مجاهدین نامیده اند برخاستند و برای تنظیم اصول و مقدماتی در راه احیای کشور و بسط اصول آزادی و مشروطیت اقداماتی کردند و این اقدامات مصداق شد با مخالفتهای خارجی و داخلی ، برخی از این مخالفتهای خارجی را در طی مذاکراتی که در همین جلسه های مجلس شد آقایان دوباره متذکر شدند . انقلاب خونینی در سراسر ایران بوجود آمد خانوادهای در سراسر کشور اعم از شهری ، دهاتی و ایلاتی سراغ نداریم که از این انقلابات آسیب ندیده و متأثر نبوده باشد بسی شنیدیم که بعضی از نویسندگان مغرض یا

فافل خارجی و بعضی هم از نویسندگان مغرض یا بیطرف داخلی خواستند نهضت مشروطیت ایران را کوچک بیاورند قلمداد کنند ولی تاریخ با کمال روشنی ثابت کرد که در ایران يك نهضت بمعنی ملی و آزادیخواهی وجود داشت و چهل و دو سال واندی است یا بیشتر که این نهضت در ایران باقی است ملت ایران زن و مرد ، پیر و جوان برای حفظ حقوق ملی و آزادی خودش در مبارزه است بعضی از سران این نهضت یا اولاد و نویشاوندان آنان در همین مجلس حضور دارند و من در حضور آنان نسبت با آنان احترام و تعظیم خاصی عرض میکنم بعضی از پیشوایان آزادی ایران در گذشته اند و روی بنباق خاک کشیده اند و بسا که خانواده های آنها و اولاد آنها از این نهضت عمومی نه تنها استفاده ای نکرده اند بلکه آنچه که از جان و مال داشته اند باختند ولی ما امروز با احترام با ارواح مقدس آنها میدانیم که باخت با آنها نبود چونکه این زندگی محدود و فانی میگذرد آنها بودند که بردند و گوی شرافت را در میدان زندگی برای همیشه ربودند . چون فردا مواجه است با یکی از اعیاد مقدس ملی با احترام آنروز هیئت مدیره مجلس تصمیم داشت که اجتماعی بنام جشن در محوطه مجلس وقوع پیدا نکند چون مجلس همیشه بموجب قانون اساسی بموجب فطرت همه افراد نمایندگان مجلس شورا نسبت بشعائر دیانت مقدس اسلام احترام میگذارند ( صحیح است ) از این لحاظ يك اجتماعی بمعنی جشن فردا وجود نخواهد داشت ، ولی پیشنهاد بنده اینست که ما همه مان حق داریم قبل از رفتن از این تالار بیاد یکی یکی شهیدان راه آزادی ایران که برای ما جان و مال باختند احترام خاصی بگذاریم و آنها را برحمت یاد کنیم و برای ارواح گذشتگان فاتحه بخوانیم و خودمان هم از این گذشتن عمر و سیری شدن زندگانی انسانی عبرت بگیریم و با خلوص نیت از هوی هوس و شهوات بسیار کوچک انسانی نظیر فلان مقام و فلان کار ، از دست بندیهای کوچک که نام آنها فعالیت پارلمانی میگذاریم اقلیاد شهیدان گذشته صرف نظر کنیم و برای حفظ يك هدف مقدس ملی هدف مقدس برای نجات ملتی که بر آن حقش گرانها است و منتظر فداکاری هائی است نیت کنیم و از این روز بیهوده با يك همت بیشتر و روحانیتی بهتر و زیادتر وظایف مقدس و ملی را تمام کنیم پیشنهاد بنده از مقام ریاست این بود که اگر آقایان تصویب فرمایند باحسن نیت يك دقیقه قیام شود و بیاد این بزرگان فاتحه ای تذکر خوانده شود .

**رئیس** - این پیشنهاد مخالفی نیست ؟ ( بعضی از نمایندگان - خیر ، خیر ) . با احترام روح شهدای آزادی و مشروطیت يك دقیقه قیام و سکوت مینمائیم . ( در این موقع عموم حضار یک دقیقه باحالت سکوت قیام نمودند ) .

**رئیس** - پیشنهاد ختم جلسه از طرف عده ای از آقایان نمایندگان رسیده و بر طبق ماده ۱۱۵ تعیین دستور جلسه آتی شده است . ( ماده ۱۱۵ بشرح زیر بوسیله رئیس قرائت گردید : )

رئیس قبل از این که جلسه را ختم نماید در باب دستور جلسه آتی یعنی تعیین روز وساعت و موضوع مذاکرات بمجلس رجوع مینماید . دستورى که باین ترتیب قرار داده شده است در محوطه مجلس و در روزنامه رسمی اعلان خواهد شد ولی مجلس در هر موقعی که لازم بداند میتواند دستور خود را تغییر بدهد .

**رئیس** - چون اگر ختم جلسه وقتی رای داده شد دیگر نمیشود وارد در دستور روز بعد شد ( صحیح است ) پیشنهاداتی رسیده که دستور جلسه آتی برای تعیین هیئت رئیسه مجلس شورای ملی مینماید . ( پیشنهاد آقایان صادقی ، دکتر راجی ، مهندس هدایت بشرح زیر قرائت شد ) پیشنهاد میکنیم که دستور جلسه آتی انتخاب هیئت رئیسه مجلس شورای ملی باشد . صادقی - دکتر راجی - مهندس هدایت .

**رئیس** - آقای صادقی توضیح بدهند . ( پیشنهاد مجدداً قرائت شد ) پیشنهاد میکنیم که دستور جلسه بعد انتخاب هیئت رئیسه مجلس شورای ملی باشد .

**دکتر معظمی** - اخطار نظامنامه ای دارم و این مقدم است .

**رئیس** - بفرمایند . **دکتر معظمی** - مطابق سوابق مجلس وقتی که مجلس در حین انعقاد است راجع بدستور جلسه آتی صحبت نمیشود اگر جلسه ختم نشد باید دستور ادامه پیدا کند و اگر نباشد ختم شود باید آقایان حوصله داشته باشند دستور آتی را معلوم کنند .

**رئیس** - حوصله ندارند مطابق ماده ۱۱۵ قبل از ختم جلسه باید دستور را تعیین کرد اگر این عمل را میگردیم بجائی بر نمیخورد و بعد مذاکره میکنیم . آقای صادقی .

**صادقی** - بنده تذکر میدهم تعیین دستور جلسه آتی منافات با ادامه این جلسه ندارد مطابق قانون و مطابق سوابقی که در مجلس عمل شده است بجز اینکه اعتبارنامه اکثریت نمایندگان مطابق حدنصابی که معین شده تصویب شد اقدام میشود بتعیین هیئت رئیسه مضافاً با اینکه عدم تعیین هیئت رئیسه موجب عدم پیشرفت کار است همانطور که جناب آقای رفیع فرمودند وضع مجلس بهتر و مرتب تر خواهد شد ( صحیح است ) . بنده ورفقای بنده امضاء کردیم این پیشنهاد را و تصور میکنم اگر اقدام هیئت رئیسه بشود و بعد بقیه اعتبارنامه ها رسیده گی بشود بهتر است ( صحیح است ) بنده خواهشمندم آقایان در این قسمت

عناد نکنند و لجاجت نکنند هیچ مانعی ندارد که در جلسه آتی هیئت رئیسه معین بشود بدهر کاری نسبت باعتبار نامه ها میخواهید بکنید بکنید هیچ مانعی ندارد .

**رئیس** - آقای ملک مدنی .

**ملک مدنی** - توضیحات آقای دکتر معظمی بعقیده بنده وارد بود مقام ریاست باید توجه بفرمایند که بتذکر ایشان باید توجه بشود و بنده بسهم خودم اطلاعاتی که داشتم بخواستم تأیید کنم که تذکر ایشان و اخطار نظامنامه ایشان وارد بود اما در باره پیشنهادی که آقای صادقی کرده اند متأسفانه بنده ناچارم امروز اینجا يك حقایق را بشت این تریبون بگویم برای اینکه چند روز است مجلس شورای ملی شروع بکار کرده است و هر چند ما میخواهیم که جلوگیری از تشتت و تفرقه بکنیم متأسفانه يك دسته ای این فکر را تأیید میکنند و بیرو می کنند ( بعضی از نمایندگان - اینطور نیست اینطور نیست ) تأمل بفرمایید شما هم حرفتان را بعداً بیائید اینجا بزنید يك عده ای هستند اینجا بنده صریحاً عرض میکنم که يك اشخاصی را منافی این میدانیم که در مجلس شورای ملی حاضر بشوند و باعتبار نامه های آنها اعتراض شده و آنها را صلاحیت برایشان قائل نیستند و میخواهند وضعیت آنها را در این مجلس معلوم کنند و میخواهند از روز اول مجلس رامصفا کنند و بدانند چه اشخاصی باید در مجلس باشند آیا این اشخاص در امور مملکت و در مسائلی که بعد ما مورد بحث ما واقع میشود حق مشارکت دارند یا خیر اجازه بفرمایید مادر مجلس مذاکره کردیم و مجلس موافقت کرد تا خاتمه اعتراضاتی که بانخاب عده ای از نمایندگان شده است هیئت رئیسه وقت کار خودش را ادامه بدهد و مجلس هم بدون اینکه بکفر مخالفت بکند این اصل را قبول کرد ( صحیح است ) ماده نظامنامه هم همین مطلب را تأیید میکند تا امروز هم همین جریان را داشته است چرا راجع بچند نفر موافقت نمیفرمائید که ما تکلیف آنها را در مجلس معلوم کنیم بنده اینجا بصراحت عرض میکنم آقایان بیائید موافقت بفرمائید و بگذارید کارهای مملکت زودتر جلو برود از روز اول دودستگی و نفاق در مجلس تولید نکنید باید مجلس اساساً تکلیف این اعتبارنامه ها را معلوم کند تا بفهمیم بینیم این آقایان همکار ما هستند بیایند سر این صندلیها بنشینند و آن اشخاصی که بهشان رای داده اند ملت ایران و افکار عمومی قضاوت کنند اگر این اشخاص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای ملی را پیدا کردند که هیچ و اگر هم این اشخاص صلاحیت ندارند یک دسته آنها مترضندطبق رای مجلس بروند دنبال کارشان و بگذارند مجلس کار خودش را ادامه دهد و مجلس برای بعدها از بعضی مذاکرات اساساً بر کنار باشد ( صحیح است ) شما آقایان میخواهید این مطالب را برده پوشی بکنید . خیال میکنید با پیشنهادیکه میکنید که جزء دستور

عناد نکنند و لجاجت نکنند هیچ مانعی ندارد که در جلسه آتی هیئت رئیسه معین بشود بدهر کاری نسبت باعتبار نامه ها میخواهید بکنید بکنید هیچ مانعی ندارد . **رئیس** - آقای ملک مدنی . **ملک مدنی** - توضیحات آقای دکتر معظمی بعقیده بنده وارد بود مقام ریاست باید توجه بفرمایند که بتذکر ایشان باید توجه بشود و بنده بسهم خودم اطلاعاتی که داشتم بخواستم تأیید کنم که تذکر ایشان و اخطار نظامنامه ایشان وارد بود اما در باره پیشنهادی که آقای صادقی کرده اند متأسفانه بنده ناچارم امروز اینجا يك حقایق را بشت این تریبون بگویم برای اینکه چند روز است مجلس شورای ملی شروع بکار کرده است و هر چند ما میخواهیم که جلوگیری از تشتت و تفرقه بکنیم متأسفانه يك دسته ای این فکر را تأیید میکنند و بیرو می کنند ( بعضی از نمایندگان - اینطور نیست اینطور نیست ) تأمل بفرمایید شما هم حرفتان را بعداً بیائید اینجا بزنید يك عده ای هستند اینجا بنده صریحاً عرض میکنم که يك اشخاصی را منافی این میدانیم که در مجلس شورای ملی حاضر بشوند و باعتبار نامه های آنها اعتراض شده و آنها را صلاحیت برایشان قائل نیستند و میخواهند وضعیت آنها را در این مجلس معلوم کنند و میخواهند از روز اول مجلس رامصفا کنند و بدانند چه اشخاصی باید در مجلس باشند آیا این اشخاص در امور مملکت و در مسائلی که بعد ما مورد بحث ما واقع میشود حق مشارکت دارند یا خیر اجازه بفرمایید مادر مجلس مذاکره کردیم و مجلس موافقت کرد تا خاتمه اعتراضاتی که بانخاب عده ای از نمایندگان شده است هیئت رئیسه وقت کار خودش را ادامه بدهد و مجلس هم بدون اینکه بکفر مخالفت بکند این اصل را قبول کرد ( صحیح است ) ماده نظامنامه هم همین مطلب را تأیید میکند تا امروز هم همین جریان را داشته است چرا راجع بچند نفر موافقت نمیفرمائید که ما تکلیف آنها را در مجلس معلوم کنیم بنده اینجا بصراحت عرض میکنم آقایان بیائید موافقت بفرمائید و بگذارید کارهای مملکت زودتر جلو برود از روز اول دودستگی و نفاق در مجلس تولید نکنید باید مجلس اساساً تکلیف این اعتبارنامه ها را معلوم کند تا بفهمیم بینیم این آقایان همکار ما هستند بیایند سر این صندلیها بنشینند و آن اشخاصی که بهشان رای داده اند ملت ایران و افکار عمومی قضاوت کنند اگر این اشخاص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای ملی را پیدا کردند که هیچ و اگر هم این اشخاص صلاحیت ندارند یک دسته آنها مترضندطبق رای مجلس بروند دنبال کارشان و بگذارند مجلس کار خودش را ادامه دهد و مجلس برای بعدها از بعضی مذاکرات اساساً بر کنار باشد ( صحیح است ) شما آقایان میخواهید این مطالب را برده پوشی بکنید . خیال میکنید با پیشنهادیکه میکنید که جزء دستور

آتی تعیین هیئت رئیسه دائم باشد از این فکر مردم منصرف میشوند . آن اشخاصیکه دارای این عقیده هستند و تصمیم گرفته اند يك عده اشخاص را که صلاحیت برایشان قائل نیستند ممکن است با این جریان تحولی از فکرشان بشود ممکن نیست اینرا بدانید بعقیده بنده چون من میل ندارم که در مجلس تشنج پیدا شود و دو دستگی درش پیدا شود خدا میداند من بشرافتم قسم میخورم که من طرفدار وحدت مجلس شورای ملی هستم بشرطیکه حقوق مجلس و مجلسیان و حقوق کشور ایران محفوظ باشد البته اگر چنانچه يك عده ای خواستند قدمهایی برخلاف مصالح مملکت بردارند ما تا آخرین قطره خونمان را فدا میکنیم ما حاضر نیستیم که اینجا منافع مملکت در خطر بیفتد و يك دسته ای خواسته باشند نظر خودشان و فکر خودشان را پیش ببرند ، ما حرفی نزدیم ، ما گفتیم نگذاریم که این جا رئیس انتخاب شود شما نظرتان با آقای سردار فاخر است که ایشان رئیس بشود ایشان قلاً ( معتمد دماوندی - چون برای خودشان زمینه نیست نمیخواهند ) رئیس موقت هستند و نشسته اند اینجا ، چرا نمیگذارید صحبت کنیم چرا نمی گذارید مجلس کارشرا بکند بنظر بنده این يك تشنجی است که در مجلس ایجاد میشود ( مهمه نمایندگان ) این يك مطلبی است در خارج می بینند مجلس پیشرفت نمیکند من خواهم میکنم موافقت بفرمائید همانطورى که قبلاً مهفود بود همانطورى که جزو دستور بود تکلیف این چندتا اعتبارنامه معلوم بشود بعد برویم برای انتخاب هیئت رئیسه دائم و با يك وحدتی بتوانیم کارهای مجلس را شروع بکنیم . **رئیس** - بنده که اینجا نشسته ام عرض کردم که فقط مجری نظامنامه هستم نظامنامه در ماده ۷ مینویسد بعد از اینکه اعتبارنامه سه ربع نمایندگان تصویب شد میتواند بانخاب هیئت رئیسه اقدام کند حالا اعتبارنامه صد نفر از نمایندگان بتصویب رسیده است میخواهند هیئت رئیسه انتخاب نمایند صد نفر نمایندگیشان تصویب شده است مکرراً اعتراض میکنند و پیشنهاد میدهند آقایان به پیشنهاد رای ندهند ولی این رویه که کسی نتواند پیشنهاد بدهد و توضیحات بدهد رویه خوبی نیست ( مهمه نمایندگان ) ( عده ای از نمایندگان - رای ، رای ) اما در قسمت تعیین دستور هیچوقت در موقع ختم جلسه فرصت نمیدهند دستور معین شود به مجرد ختم جلسه همه میروند و هیچ روز نمیدانستیم که در دستور چه داریم این را ماده ۱۱۵ معین کرده است بنده تا وقتی که اینجا هستم هر روز دستور جلسه بعد را از مجلس کسب نظر میکنم آنجا نوشته است که مجلس هر موقع که لازم میدانم می تواند دستور خودش را تغییر دهد ، الان برای رای عده کافی نیست . **مکی** - اخطار نظامنامه ای دارم . **رئیس** - از روی چه ماده ای ؟ **مکی** - ماده ششم . راجع با اعتبار نامه

و کلائی است که با اعتبار نامه آنها مخالفت شده و آنها در خارج مشغول غارتگری هستند چون شغل های اداری دارند میخواهند غارتگری کنند اعتبار نامه آنها اگر بموجب رأی مجلس بعهده تعویق افتاده باشد این نمایندگان در مورد هیچ امری حق دادن رأی ندارند. مجلس نباید رأی بدهد که این آقایانیکه با اعتبار نامه شان اعتراض شده است عقب بیفتند و بعهده غارتگر و چپاولچی مردم را بجایند بنده مخالفم یکی را عقب بگذارند یک عده را مسلط بر مردم بگذارند این خوب نیست.

**رئیس** - این ربطی بپیشنهاداتی که از طرف عده ای از نمایندگان میرسد و من باید مطرح کنم ندارد این مربوط باین نیست راجع بتعمین دستور پیشنهاد کرده اند که من باید مطرح کنم الان هم عده کافی نیست. آقای دکتر معظمی. **دکتر معظمی** - سوء تفاهمی شده بود در هرایزی که بنده کردم عرض نکردم که انتخاب هیئت رئیسه جزو دستور نیست این را بنده عرض کردم منتهی مجلس شورای ملی میتواند دستور را مقدم و مؤخر بدارد بنا براین چه آقایان رأی بدهند و چه رأی ندهند این جزو وظایف مجلس هست بنا براین بنده مخالف این هستم که مجلس ختم بشود برای اینکه ما امروز یکی دوتا کار بیشتر نکرده ایم حالا تقاضا میکنم که چند دقیقه تنفس داده شود و اگر عیده کافی شد دوباره شروع بکار کنیم.

#### ۴ - ختم جلسه بعنوان تنفس

**رئیس** - چند دقیقه تنفس داده میشود ( ساعت دوازده و ده دقیقه مجلس بعنوان تنفس تعطیل شد )

**رئیس مجلس شورای ملی** - **رضا حکمت**

#### **آقای محمدعلی کامکار سردفتر سابق ازدواج و طلاق فسا**

بموجب این ابلاغ دفاتر شماره در قصبه فسا مجدداً برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد .  
وزیر دادگستری

#### **آقای سید محمد باقر موسوی الغروی سردفتر اسناد رسمی شماره ۷ تبریز**

بموجب این ابلاغ دفتر شماره در شهر تبریز برای ثبت ازدواج هم رسمیت میدهد .

وزیر دادگستری

#### **آقای سیدمرتضی پسندیده سردفتر اسناد رسمی خمین**

بموجب این ابلاغ دفتر شماره در خمین برای ثبت ازدواج هم رسمیت میدهد .

وزیر دادگستری

#### **آقای محمدباقر موسوی الغروی**

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم تبریز منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید .

وزیر دادگستری

## انتصابات و احکام

### در وزارت کشور

**آقای رضا فهیمی فرماندار بوشهر** از تاریخ ورود فرماندار جدید بسمت فرمانداری زاهدان منتقل شدند.

\*\*\*

**آقای لطفعلی قوامی** کارمند منتظر خدمت از تاریخ اشتغال بکار بسمت فرمانداری بوشهر منصوب شدند .

### **آقای عبدالرحمن رحمانی**

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم ساری منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید .

وزیر دادگستری

### **آقای سیدمرتضی پسندیده سردفتر اسناد رسمی سابق شماره ۱۰ خمین**

بموجب این ابلاغ مجدداً بسمت سردفتری اسناد رسمی شماره ۱۰ خمین منصوب میشود طبق مقررات کافی السابق مشغول انجام وظیفه شوید .

وزیر دادگستری